



معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه

ویژه نامه قوانین و مقررات

سال دوم، شماره نوزدهم، دی ماه ۱۳۸۹

معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه

ویژه نامه ضمیمه پیام آموزش قوانین مقررات

حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به معاونت آموزش قوه قضاییه می باشد و نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع می باشد.



معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه

عنوان: ویژه نامه قوانین و مقررات شماره نوزدهم (دی ماه ۱۳۸۹)

صاحب امتیاز: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه

مدیر مسئول: محمد مصدق

سر دبیر: سیدفاضل نوری

مدیر اجرایی: نادر پوریگ محمد

کارشناس: نرگس جعفر علیزاده

امور مشترکین: مهدی زرین چنگ

ناشر: نشر قضا

مدیر نشر: محسن سلم آبادی

لیتوگرافی و چاپ: مرکز چاپ و نشر الهادی

شمارگان: ۳۳۰۰ جلد چاپ نخست: قم، زمستان ۱۳۸۹

نشانی: تهران - خیابان حافظ شمالی، نبش خیابان سمیه، ساختمان شماره ۱۵ قوه قضاییه - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه

تلفن و دوزگار: ۸۸۸۰۹۵۵۶ (۰۲۱)

پایگاه اینترنتی: www.lawtraining.ir

پست الکترونیکی: Emil:info@law-training.ir



فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه.....	۹
بخش اول: قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی.....	۱۳
۱. نظریه‌های رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران».....	۱۵
۲. اصلاحیه‌ها.....	۲۲
بخش دوم: آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور.....	۲۵
رای وحدت رویه شماره ۷۱۶: چنانچه زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع ورزد با اثبات مراتب از ناحیه زوج در دادگاه و اخذ اجازه ازدواج وکالت زوجه از زوج در طلاق محقق و قابل اعمال نیست.....	۲۷
بخش سوم: آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.....	۳۱
۱. رای شماره ۴ با موضوع ضرورت پرداخت بهای عرصه و اعیان املاک اشخاصی که توسط دولت جهت اجرای طرح‌های عمرانی مورد تملک قرار می‌گیرد.....	۳۳
۲. رای شماره ۳۷۱ با موضوع کمیسیون موضوع تبصره ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری حق اظهارنظر نسبت به تغییر کاربری و انجام فعالیت جدید علاوه بر پلمپ را ندارد.....	۳۸
۳. رای شماره ۳۷۴ با موضوع تحت پوشش بیمه قرار دادن کارکنان بنیاد مستضعفان از بدو تأسیس در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱ با توافق سازمان تأمین اجتماعی منافاتی با قانون ندارد.....	۴۱
۴. رای شماره ۳۷۵ در خصوص مطالبه حق بیمه معوقه بالحاظ میانگین حداقل و حداکثر سال محاسبه، خلاف قانون است.....	۴۶
۵. رای شماره ۳۷۹ در خصوص ابطال تبصره یک ماده ۱۵ آئین‌نامه اجرائی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی شرکت مخابرات مبنی بر دریافت مبلغی مازاد بر هزینه‌های جاری دستگاه اجرائی از وام‌گیرندگان به لحاظ مغایرت با قانون.....	۵۱
۶. رای شماره ۳۸۰ در خصوص اطلاق بند ۷ بخشنامه شماره ۲۳۲/۲۶۹/۱۹۰۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ سازمان امور مالیاتی کشور در الزام مؤدیان به ضمیمه کردن قرارداد حسابرسی به همراه اظهارنامه خلاف شرع شناخته شد.....	۵۴

۷. رأی شماره ۳۸۱ با موضوع با توجه به ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان، پرداخت عیدی دوران اسارت و جاهت قانونی ندارد ۵۷
۸. رأی شماره ۳۸۳ در خصوص فسخ قرارداد انجام کار معین با اعلام قبلی ظرف ۱۵ روز خلاف قانون نیست ۵۹
۹. رأی شماره ۳۸۷ با موضوع حکم مقرر در تبصره ۶ ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مفید حصر تفویض اختیار به وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد ۶۲
۱۰. رأی شماره ۳۹۴ با موضوع عدم تأمین اعتبار مسقط حق شاکی مبنی بر دریافت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت ناشی از ارتقاء شغلی نمی‌باشد ۶۵
۱۱. رأی شماره ۸۳۱ در خصوص ابطال قسمت دوم بند یک بخشنامه شماره ۲۱۱/۲۷۰۰/۱۴۰۱۹ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن متعاملین عقد اجاره به شرط تملیک را مکلف به پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی می‌نمایند ۶۸
- بخش چهارم: استفتائات قضایی، نظریات مشورتی و نشست‌های قضایی ۷۱**
- الف: استفتائات قضایی ۷۳**
 ۱. استفتاء ۶۷۲: حکم توارث در مرگ ناشی از حوادث مشابه هدم و غرق ۷۳
 ۲. استفتاء ۶۸۰: مالک جایزه پول متعلق به دو نفر ۷۴
 ۳. استفتاء ۷۰۴۱: حکم مطابق نبودن مبیع با مقدار شرط شده ۷۵
 ۴. استفتاء ۷۰۴۲: حکم بیع زمین در صورت کشف معدن پس از معامله ۷۶
 ۵. استفتاء ۷۰۶۳: تداخل جنایات متعدد ناشی از ضربه واحد ۷۷
- ب: نظریات مشورتی ۷۹**
 ۱. امکان این که دادرس همزمان در دو شعبه مشغول به خدمت باشد وجود ندارد ۷۹
 ۲. تعزیر مذکور در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی حداکثر تا ۷۴ ضربه شلاق می‌باشد ۷۹
 ۳. ثبت ازدواج منقطع الزامی نیست ۸۰
 ۴. قاضی منحصرأ مجاز به تعیین مجازات مصرح در قانون است ۸۰
 ۵. حداقل حق الوکاله در دعاوی کیفری تعیین نشده است ۸۰
 ۶. دادسرای عمومی و انقلاب نیز مشمول مقررات آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله و حق‌المشاوره و هزینه سفر و کلاهی دادگستری می‌باشد ۸۱
 ۷. اعمال شق ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مختص کیفر حبس است ۸۱
 ۸. تعیین حبس کمتر از سه ماه به عنوان تخفیف کیفر توجیه قانونی نداشته و ممنوع است ۸۲

۹. محکومیت به دیه کمتر از خمس دیه در صورت توأم شدن با مجازاتی که قابل تجدیدنظر است قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر خواهد بود..... ۸۲
۱۰. احکام غیابی تا زمانی که ابلاغ واقعی نشده مشمول مرور زمان نیست ۸۳
۱۱. حکم صادره در خصوص اعسار نمی تواند اعتبار امر مختومه پیدا کند ۸۳
۱۲. حامل کالای قاچاق مستقل از مجازات مقرر برای مالک یا دارنده کالای قاچاق بوده و به جزای نقدی تا معادل دو برابر بهای مجموع کالای قاچاق محکوم خواهد شد..... ۸۳
۱۳. آراء صادره در خصوص قاچاق کالا و ارز مانند سایر احکام جزایی تابع عمومات قانون است ۸۴
۱۴. پرداخت دیه از بیت المال و مطالبه از صندوق تأمین خسارت های بدنی دو مقوله متفاوتند ... ۸۴
۱۵. مقررات ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک شامل مواردی که محکوم علیه بعد از صدور حکم و قطعیت مرتکب جرم جدید مشابه شود، نمی گردد ۸۵
- ج: نشستهای قضایی** ۸۷
۱. آیا انتقال مشروع و صحیح مبیع به ایادی بعدی توسط خریدار در حکم تلف تلقی می شود؟... ۸۷
۲. آیا حقوق مستمری وظیفه پرداختی سازمان تأمین اجتماعی به ورثه، ترکه محسوب و قابل توقیف از سوی طلبکاران است؟ ۸۷
۳. آیا معامله ملکی که در رهن بانک بوده با تعهد فک رهن از سوی فروشنده در بیع نامه عادی و بدون اجازه مرتبهن صحیح و نافذ است؟ ۸۸
۴. در خصوص شخص ممنوع المعامله در زمان تقدیم دادخواست الزام وی به تنظیم سند رسمی، چه تصمیمی اتخاذ می شود؟ ۸۹
۵. در صورتی که خواندگان به دلیل اقامت در خارج کشور مجهول المکان باشند، نحوه ابلاغ دادخواست و مواعد رسیدگی چگونه است؟ ۹۰
- بخش پنجم: مصوبات هیأت وزیران** ۹۱
۱. تصویب نامه در خصوص تعیین میزان جرایم تخلفات مندرج در فصل هشتم قانون نظام صنفی - مصوب ۱۳۸۲ ۹۳
۲. دستورالعمل اجرایی ماده (۱۴) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ۹۴
۳. تصویب نامه در خصوص تعیین ساعات آغاز به کار ادارات و مشاغل مختلف در شهر تهران ۹۹
۴. الحاق بندهای (۷)، (۸) و (۹) به آیین نامه نحوه پرداخت به اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی یا خارجی ۱۰۰
۵. اصلاح آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی ۱۰۱

بخش ششم: مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۱۰۳
مصوبه «اصلاح آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده».....	۱۰۵
بخش هفتم: گوناگون.....	۱۰۹
۱. دستورالعمل آیین‌نامه اجرایی بند ۱۴ قانون بودجه ۱۳۸۹ کل کشور.....	۱۱۱
۲. اصلاحیه نظام نامه انتخاب سران دفاتر ازدواج.....	۱۱۳
بخش هشتم: موارد حذف شده.....	۱۱۷
نظر خواهی.....	۱۲۵
فرم درخواست اشتراک.....	۱۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الْوَاسِعِ

باتمام ہستی اندک و ناچیز خود آن پروردگار بلند مرتبہ بی انتہائی راضی ستائیم کہ «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ»^۱ و اور احمد می گوئیم کہ علاوہ برکستردگی قیومیت و وسعت سلط و حکومت بر تمام آسمان ها
و زمین، بر هر آنچه نام «شیء» بر آن صدق کند آگاه است: «وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا»^۲ و به حق حمد و ثنا
تنها سزاوار اوست کہ آن آگاہی و احاطہ علمی اش صرفاً زمینہ ساز تعذیب معاندان و عاصیان نیست بلکه
مقدمہ رحمت اوست کہ فرمود: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۳ البته این رحمت واسعہ و شاملہ را آن گاہ از
خداوند برای خود واجب خواهیم ساخت کہ از تقوا و انجام فرائض و ایمان بہ آیات الہی بهره مند باشیم؛ زیرا
وعدہ حق تعالی چنین است: «فَسَاءَ كِتَابُهَا لِلَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا
يُوقِنُونَ»^۴

۱. سوره بقرہ (۲) آیت ۲۲۵.

۲. سوره انعام (۶) آیت ۸۰.

۳. سوره اعراف (۷) آیت ۱۵۶.

۴. همان.

وفای وعده

در شماره تیرماه ۱۳۸۹ ویژه‌نامه قوانین و مقررات (شماره ۱۳) که در آستانه دوسالگی این ویژه‌نامه بود، نگاهی را متذکر شدیم و وعده کردیم که در شماره‌های بعد این امر ادامه یابد؛ بنابراین:

یکم: در شماره مردادماه ۱۳۸۹ راجع به امر اشتهاء اطلاعات در حوزه قوانین و مقررات نوشتیم و توضیح دادیم که در این ویژه‌نامه چه مطالبی راجع خواهیم کرد و از چاپ چه مواردی خودداری خواهیم نمود.

دوم: در شماره شهریور ۱۳۸۹ درباره نظریات مشورتی اداره کل حقوقی مطالبی را در شش نکته متذکر شدیم و اشاره کردیم که سعی ما بر آن است که از بین جدیدترین نظریه‌ها چند تایی را به مخاطبین محترم ارائه کنیم. و تصریح کردیم که اموری چون میزان کاربرد و متلا به بودن، تقریباً جدید بودن موضوع، کم بودن نظریات مشابه و روائی لازم، ملاک برگزیدن است.

سوم: در شماره مهرماه ۱۳۸۹ در خصوص استقانات قضایی نخواستیم و اشاره‌ای داشتیم به جایگاه رفیع آن که از نقش آن ناشی می‌شود یعنی «رفع خلا قانونی» و نیز اشاراتی بود به چگونگی انتخاب فتاوی معتقی.

چهارم: در شماره آبان ۱۳۸۹ چند نکته با محوریت نشستهای قضایی را ارائه کردیم و تلویحی داشتیم به سیر تکون آن.

پنجم: در شماره آذرماه ۱۳۸۹ درباره توزیع نسخ این ویژه نامه مطالبی را طرح کردیم و گفتیم که در حال حاضر با استفاده از بانک اطلاعات مشترکین، ویژه نامه قوانین و مقررات برای حدود سه هزار نفر از قنات محترم در سراسر کشور فرستاده می شود.

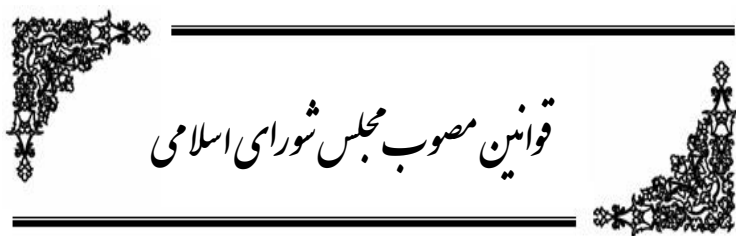
با عنایت به نکات مذکور و عده مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ خود را محقق تلمی و طومار آن رامی بچشم و به محضر خدای غنی و صمد عرضه می داریم. «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^۱

سر دبیر

۱۳۸۹/۱۱/۲

۱. سوره قصص (۲۸) آیه ۲۴.

بخش اول:



۱. نظریه‌های رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»^۱

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

شماره ۷۰۸۰۶ هـ/ب

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۴۶۶۲/۵۰۸۰۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۵، موضوع «مصوبات استانی هیأت وزیران برای برخی از طرح‌های خدماتی استان کهگیلویه و بویراحمد»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین‌نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی‌الاثراً خواهد بود.

«۱- به موجب ماده (۴۴) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، «به کارگیری افراد در دستگاههای اجرائی پس از پذیرفته‌شدن در امتحان عمومی... امکان‌پذیر است»؛ ۲- طبق ماده (۴۵) همین قانون «استخدام در دستگاههای اجرائی به یکی از دو روش رسمی و پیمانی صورت می‌گیرد؛ ۳- براساس ماده (۵۱) قانون مذکور، «مجموع مجوزهای دستگاههای اجرائی... در برنامه‌های پنج‌ساله تعیین می‌گردد...»؛ ۴- وفق ماده (۵۲) قانون، «هر نوع بکارگیری افراد در دستگاههای اجرائی به غیر از حالات مندرج در ماده (۴۵) و تبصره ماده (۳۲) این قانون ممنوع می‌باشد.»؛ ۵- تبصره ماده (۳۲) قانون مقرر می‌دارد: «دستگاههای اجرائی می‌توانند در شرایط خاص... تا سقف ده درصد (۱۰٪) پست‌های

۱. از درج تعداد ۳۵ نظریه که به نظر رسید کاربرد چندانی برای مخاطبین محترم ندارد خودداری و به درج ۷ نظریه اکتفا شد.

سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب، افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یکسال بکار گیرند.» با عنایت به مراتب فوق، از آنجا که بکارگیری پیمانی کارکنان، طبق بند «ب» ماده (۴۵) قانون مدیریت خدمات کشوری متضمن تعهد استخدامی برای دستگاههای اجرائی است و علاوه بر آن تبدیل وضعیت کارکنان قراردادی، خرید خدمت و انجام کار معین به پیمانی بدون رعایت تشریفات مندرج در ماده (۴۴) قانون و دیگر موارد مذکور در فوق، مورد پیش‌بینی قانونگذار در قانون مدیریت خدمات کشوری قرار نگرفته است؛ علیهذا، بند (۵) تصویب‌نامه که سازمان حفاظت محیط زیست را به «صدور مجوز تبدیل وضعیت هشتاد نفر از کارکنان قراردادی، خرید خدمت و انجام کار معین به پیمانی» تکلیف می‌نماید، مغایر با قانون است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۷۰۸۱۹هـ/ب

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۴۷۶۳/۶۵۳۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۳، موضوع «تعیین افراد به عنوان اعضای هیأت مدیره مناطق آزاد تجاری - صنعتی»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین‌نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی‌الاثربود.

۱- به موجب ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ مناطق آزاد تجاری - صنعتی از جمله دستگاههای اجرائی محسوب و طبق ماده (۱۱۷) همین قانون، کلیه دستگاههای اجرائی از جمله مناطق مذکور مشمول مقررات این قانون می‌باشند.

۲- علاوه بر ماده واحده قانون منع تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳، براساس ماده

(۹۴) قانون مدیریت خدمات کشوری، «تصدی بیش از یک پست سازمانی برای کلیه کارمندان دولت ممنوع می‌باشد...» ۳- مضافاً اینکه، طبق ماده (۶) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ «سازمان توسط هیأت مدیره... اداره خواهد شد...» علیهذا، مفاد تصویب‌نامه ناظر بر تعیین افراد به عنوان اعضاء هیأت مدیره مناطق آزاد تجاری - صنعتی، چون از حیث اطلاق، شامل افرادی می‌گردد که با وجود دارا بودن مشاغل دولتی، عهده‌دار شغل در دیگر دستگاههای اجرایی می‌گردند، مغایر با قوانین مذکور است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

شماره ۷۰۸۱۲/ب

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۱۶۸۴۶۷/ت/۴۵۲۴۸ هـ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۸، موضوع «الحاق یک تبصره به مصوبه ۶۵۸۴۶/ت/۴۵۲۴۸ هـ»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین‌نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی‌الاثر خواهد بود.

«۱- به موجب ماده (۱) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، «حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی...» مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- طبق تبصره (۱) ماده (۱) همین قانون «برخورداري از تأمین اجتماعی به نحوی که در این قانون می‌آید حق همه افراد کشور و تأمین آن، تکلیف دولت محسوب می‌شود.»

۳- به موجب تبصره (۲) ماده (۳) قانون مذکور «دولت مکلف است ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون، امکان تحت پوشش بیمه قرار گرفتن تمام اقشار مختلف جامعه از

جمله روستائیان، عشایر و شاغلین فصلی را فراهم نماید.» علیهذا، تبصره الحاقی در متن مصوبه که مقرر می‌دارد: «با توجه به اختیاری بودن عضویت در صندوق، حداکثر سن ابتدای عضویت برای مردان و زنان سرپرست خانوار پنجاه سال تعیین می‌گردد»، از حیث مشروط و مقید شدن عضویت مردان و زنان سرپرست خانوار به دارا بودن حداکثر سن پنجاه سال، مغایر با قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

شماره ۷۰۸۲۷-ه/ب

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۳۷۴۰/۱۸۷۳۹۷ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۳، موضوع «پرداخت حق الزحمه برگزاری آزمون به کارکنان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین‌نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی‌الاثراً خواهد بود.

«علاوه بر ماده (۹۳) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ که مقرر می‌دارد: «کلیه کارمندان دستگاه‌های اجرائی ... در صورتی که در مواقع ضروری ... به خدمات آنان نیاز باشد ... مکلف به ... انجام وظایف محوله در قبال حق الزحمه ... برابر مقررات مربوط خواهند بود.»، به موجب ماده (۱۰۰) همین قانون «آئین‌نامه‌های اجرائی این فصل (فصل دوازدهم قانون از جمله ماده (۹۳) قانون مذکور با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» علیهذا، متن مصوبه از حیث موکول شدن پرداخت حق الزحمه به دستورالعمل وزارت کار و امور اجتماعی به جای تصویب‌نامه هیأت وزیران، مغایر با قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۷۰۹۵۴هـ/ب

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۴۷۷۰/۷۷۶۸۳ مورخ ۱۳۸۹/۴/۸، موضوع «آئین نامه اجرائی مواد ۸۴، ۸۶ و ... قانون مدیریت خدمات کشوری» متعاقب بررسی ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی الاثر خواهد بود.

۱- به موجب تبصره (۲) ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ «دستگاههای اجرائی می توانند ... با موافقت هیأت وزیران ... ساعات کار خود را به ترتیب دیگری تنظیم نمایند.» بنابراین، ماده (۳) آئین نامه که تأیید شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی را جایگزین موافقت هیأت وزیران نموده است مغایر با قانون است. ۲- طبق تبصره (۳) قانون مذکور، «کلیه دستگاههای اجرائی استانی موظفند ساعات کار خود را در شش روز هفته تنظیم نمایند.» علیهذا، واژه «دستگاههای اجرائی» مندرج در ماده (۳) آئین نامه چون از حیث اطلاق، شامل دستگاههای اجرائی استانی نیز می گردد که واجد محدودیت قانونی یعنی الزام به تنظیم ساعات کار خود در شش روز هفته می باشند، مغایر با قانون است. ۳- وفق ماده (۹۷) قانون مدیریت خدمات کشوری «رسیدگی به مواردی که در این قانون ممنوع و یا تکلیف شده است و سایر تخلفات کارمندان دستگاههای اجرائی و تعیین مجازات آنها طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ می باشد.»

بنابراین تبصره (۳) ماده (۴) آئین نامه که «اعمال مجازاتهای اداری» یا «اعمال تنبیهات اداری نسبت به کارمندان خاطی» را علاوه بر قانون رسیدگی به تخلفات اداری و

دیگر قوانین مربوط، منوط به رعایت دستورالعملی می‌داند که به تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور خواهد رسید، مغایر با قانون است. ۴- به موجب ماده (۱) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و مواد (۱) و (۳) همین قانون در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ «قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر یا فصل خصومت نمایند.» علیهذا بخش دیگر از تبصره (۳) ماده (۴) آئین‌نامه که «صدور حکم قضائی» را مقید به چارچوبهای مندرج در دستورالعمل فوق‌الاشاره می‌داند از حیث مخل بودن با صلاحیت‌ها و حدود و اختیارات قضات محاکم، مغایر قانون است. ۵- الف: طبق مواد (۲۰) و (۱۰۰) قانون مدیریت خدمات کشوری «اعمال ساز و کار مناسب به منظور ایجاد انگیزه و افزایش کارائی و بهره‌مندی از فکر و اندیشه و خلاقیت کارمندان و نظام پیشنهادها و نحوه پرداخت پاداش براساس آئین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیات وزیران می‌رسد.» ب- به موجب ذیل ماده (۹۷) همین قانون، صرفاً رسیدگی به تخلفات موضوع ماده (۹۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، مستثنی از تشریفات مندرج در قانون رسیدگی به تخلفات اداری است و بدیهی است که اعطاء هرگونه امتیاز، ... هدیه و موارد مشابه، منصرف از ماده (۹۷) قانون می‌باشد، بنابراین، ماده (۵) آئین‌نامه که «اعمال ساز و کارهای انگیزشی و نحوه اعطای هدیه دستگاههای اجرائی و ... را منوط به دستورالعملی می‌داند که به تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور خواهد رسید، مغایر با قانون است. ۶- طبق ماده (۹۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، حق مشاوره، صرفاً منحصر است به دریافت از دستگاه اجرائی ذیربط، علیهذا، عبارت «توسط دستگاههای اجرائی» که از حیث اطلاق، علاوه بر دستگاه اجرائی ذیربط، شامل دیگر دستگاههای اجرائی نیز می‌گردد، مغایر با قانون است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۷۰۹۵۷هـ/ب

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب نامه هیأت محترم وزیران به ۲۲۹۳۹/ت/۴۴۳۷۱ مورخ ۱۳۸۹/۲/۴، موضوع «اصلاحات مصوبات هیأت وزیران»، متعاقب بررسی ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی الاثر خواهد بود.

«۱- به موجب بند (۴) نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای محترم نگهبان « کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل (۱۲۷) قانون اساسی انتخاب شده اند در این مدت - از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا معرفی وزرا، به مجلس و اخذ رأی اعتماد - نافذ نمی باشد.» علیهذا، صدر مصوبه از حیث استناد به تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور، موضوع تصویب نامه شماره ۴۲۰۸۷/ت/۲۴۱۸۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۲ ناظر بر دوره فعالیت دولت نهم، چون متضمن تنفیذ تصمیمات کار گروهی است که دوره نمایندگی اعضاء آن خاتمه یافته است، مغایر با نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان و مآلاً مخل اختیارات و وظایف دستگاههای اجرائی ذیربط و مغایر با قوانین مربوط می باشد. ۲- به موجب ماده (۱۱) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ «دریافتهای دولت... باید در حسابهای خزانه داری کل متمرکز باشد» علیهذا، تبصره ذیل بند «ج» مصوبه از حیث عدم تصریح به ضرورت واریز وجه به حسابهای خزانه داری کل کشور، مغایر با قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱۳۸۹/۱۰/۲۱

شماره ۷۰۹۲۶ هـ/ب

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۵۲۹۳/۱۳۴۴۴۶ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷، موضوع «اعلام تعطیل رسمی روز دوم شوال ۱۴۳۱ هجری قمری» و متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آئین‌نامه اجرائی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است ملغی‌الاثر خواهد بود.

به موجب ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی تعیین تعطیلات رسمی کشور مصوب ۱۳۷۸، «هیأت وزیران با کسب نظر موافق رؤسای قوه مقننه و قوه قضائیه می‌تواند به مناسبت بروز بعضی حوادث و وقایع بسیار مهم، بعضی نقاط یا سراسر کشور را تعطیل رسمی (عمومی) اعلام کند»، علیهذا متن مصوبه هیأت محترم وزیران درخصوص تعیین و اعلام روز دوم شوال ۱۴۳۱ هجری قمری به عنوان تعطیل رسمی، از حیث عدم تصریح به کسب نظر موافق رؤسای دو قوه، مغایر با قانون می‌باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۳)

۲. اصلاحیه‌ها

الف) در چاپ «قانون موافقتنامه همکاری‌های گمرکی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر»^۱ مندرج در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۸۷۵۲ - ۱۳۸۸/۴/۳۰:

۱. متن قانون در صفحه ۴۲ شماره اول این ویژه‌نامه (تیر ۱۳۸۸) درج شده است.

- در سطر پنجم بند ۱ ماده ۶ بعد از کلمه «به» و قبل از کلمه «درخواست»، کلمه «گمرک» از قلم افتاده است.
- در سطر اول بند ۱ ماده ۷، کلمه «ابلاغ» حذف و در کنار عنوان ماده ۷ قرار گیرد.
- در سطر دوم ردیف ث بند ۱ ضمیمه، بعد از کلمه «برای» و قبل از کلمه «که»، به جای کلمه «مقاصدی»، کلمه «مقاصد» چاپ شده است.
- در سطر اول بند ۳ ضمیمه، بعد از کلمه «نگهداری» و قبل از کلمه «شخصی» به جای کلمه «داده‌های»، کلمه «دادها» چاپ شده است.

روزنامه رسمی کشور

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۳)

- ب) در چاپ «قانون اصلاح تبصره (۴) لایحه قانونی اصلاح مقررات مربوط به تحصیل افسران و همافران و درجه‌داران و محصلین در نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۸»^۱ مندرج در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۸۷۵۲ - ۱۳۸۸/۴/۳۰:
- در سطر اول ماده واحده بعد از کلمه «لایحه» و قبل از کلمه «اصلاح» به جای کلمه «قانونی» کلمه «قانون» چاپ شده است.
- ج) در چاپ «قانون جرایم رایانه‌ای»^۲ مندرج در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۸۷۴۲ - ۱۳۸۸/۴/۱۷:
- در سطر دوم ماده ۱۲ فصل سوم بخش یکم بعد از کلمه «به» و قبل از کلمه «نقدی»، به جای کلمه «جزای» کلمه «جرای» چاپ شده است.
 - در سطر دوم تبصره بند ب ماده ۲۰ فصل ششم بخش یکم، بعد از کلمه «حقوقی» و قبل از کلمه «را»، به جای کلمه «دیگری» کلمه «دیگر» چاپ شده است.
 - در سطر دوم ماده ۲۲ فصل ششم بخش یکم، بعد از کلمه «محل» و قبل از کلمه «کل»، به جای کلمه «دادستانی» کلمه «دادستای» چاپ شده است.
 - در بند ج ماده ۴۱ مبحث ۴ فصل دوم بخش دوم، بعد از کلمه «داده»، به جای کلمه «باشد» کلمه «شده» چاپ شده است.

۱. متن قانون در صفحه ۳۹ شماره اول این ویژه نامه (تیر ۱۳۸۸) درج شده است.

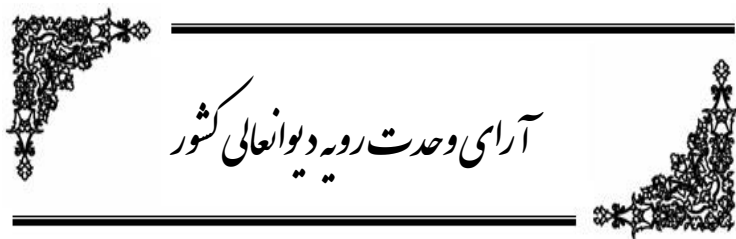
۲. متن قانون در صفحه ۲۷ شماره اول این ویژه نامه (تیر ۱۳۸۸) درج شده است.

- در سطر اول ماده ۴۴ مبحث ۴ فصل دوم بخش دوم، بعد از کلمه «یا» و قبل از کلمه «رایانه‌ای»، به جای کلمه «سامانه‌های» کلمه «سانامه‌های» چاپ شده است.

روزنامه رسمی کشور

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

بخش دوم:



رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چنانچه زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع ورزد با اثبات مراتب از ناحیه زوج در دادگاه و اخذ اجازه ازدواج و کالت زوجه از زوج در طلاق محقق و قابل اعمال نیست.

الف: مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۷/۸۹ رأس ساعت ۹ روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۹/۷/۲۰ به ریاست حضرت آیت‌ا... احمد محسنی‌گرکانی رئیس دیوان عالی کشور و حضور حضرت آیت‌ا... محسنی‌اژی‌ه دادستان کل کشور و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام... مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده درخصوص مورد و استماع نظریه^۱ جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۱۶-۱۳۸۹/۷/۲۰ منتهی گردید.

ب: گزارش پرونده

با احترام، حسب اعلام رئیس محترم حوزه قضایی فامنین، شعب دادگاه تجدیدنظر استان همدان در مواردی که زوج با اجازه دادگاه و بدون اذن زوجه ازدواج مجدد نموده و زوجه از دادگاه به استناد شرط ضمن عقد نکاح درخواست طلاق نموده، آراء مختلفی صادر کرده‌اند. خلاصه جریان پرونده‌های مربوطه را به شرح زیر به عرض می‌رساند:

۱- به موجب پرونده شماره ۱/۱۱۳۲/۸۴ شعبه اول دادگاه عمومی فامنین خانم سمیه لطیفی در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۴ دادخواستی به طرفیت همسرش آقای احمد روشنی به خواسته صدور حکم طلاق به دادگاه عمومی فامنین تقدیم داشته که به شماره فوق ثبت

۱. با توجه به اصلاحیه مندرج در شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ روزنامه رسمی از این قسمت کلمه « نماینده» حذف گردید.

و در جریان رسیدگی قرار گرفته است. نامبرده در دادخواست و همچنین در جلسه اول دادرسی اظهار داشته که در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۰ به عقد رسمی و شرعی خوانده درآمده، ولی قبل از عروسی اختلافاتی بین آنان بروز کرده که منتهی به تشکیل چندین پرونده گردیده و به علت ازدواج مجدد خوانده به استناد بند ۱۲ از شروط ضمن عقد نکاح تقاضای صدور حکم طلاق نموده است. خوانده دفاعاً اظهار داشته که چون خواهان از او تمکین ننموده و با وجود صدور حکم محکومیت به تمکین نیز حاضر به تمکین نشده از دادگاه اجازه ازدواج مجدد اخذ و دختری را به عقد موقت خود درآورده است. تصاویر احکام مورد استناد خوانده که از دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر استان قم صادرشده به دادگاه ارائه گردیده است. دادگاه پس از استماع اظهارات زوجین و شهود تعرفه‌شده از سوی زوج قرار ارجاع امر به داور را صادر کرده که قرار مزبور اجرا شده، سپس به شرح دادنامه شماره ۱۴۰۲ - ۱۳۸۴/۱۰/۲۴ پس از بیان موضوع دعوی و خلاصه اظهارات طرفین، تحقق بند ۱۲ از شرایط ضمن‌العقد مندرج در نکاح نامه رسمی را محرز دانسته و به استناد مواد ۲۳۴، ۲۳۷، ۱۱۱۹، ۱۳۱۲، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۴ قانون مدنی و ماده ۴ قانون ازدواج و ماده ۹ قانون حمایت خانواده گواهی عدم امکان سازش بین زوجین را صادر نموده و ضمن بیان میزان مهریه خواهان و نحوه دریافت آن به زوجه اجازه داده تا به یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق مراجعه و پس از اجرای صیغه طلاق با اعمال وکالت حاصل از طریق تحقق شرط ضمن‌العقد نسبت به ثبت رسمی آن اقدام کند و اسناد و دفاتر مربوطه را اصالتاً و نیز به وکالت از شوهرش امضاء نماید. نوع طلاق به لحاظ غیرمدخوله‌بودن زوجه بائن اعلام شده است. بر اثر تجدیدنظرخواهی خوانده پرونده در شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان همدان مطرح رسیدگی قرار گرفته و این شعبه طبق دادنامه شماره ۲۷۸/۸۵ - ۱۳۸۵/۳/۳۱ رأی دادگاه نخستین را تأیید کرده است. از دادنامه اخیر به گواهی دفتر دادگاه، فرجام‌خواهی نشده است.

۲- حسب پرونده شماره ۱/۵۷۶/۸۷ شعبه اول دادگاه عمومی فامنین خانم زهرا محمدعلی‌خانی در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۶ دادخواستی به طرفیت همسرش آقای عباس یعقوبی به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش به منظور اجرای صیغه طلاق به دادگاه عمومی فامنین تقدیم و ضمن آن اظهار داشته است که زوج با او سوءرفتار شدید دارد و بدون اجازه او اقدام به ازدواج نموده و برای او عسر و حرج ایجاد شده است. پرونده به

شعبه اول دادگاه ارجاع گردیده و در جریان رسیدگی قرار گرفته است. در جلسه اول دادرسی که با حضور خواهان و در غیاب خوانده که با وجود ابلاغ اخطاریه حاضر نگردیده، تشکیل شده خواهان با ادای توضیحاتی پیرامون اختلافاتش با خوانده و پرونده‌هایی که در مورد مطالبه مهریه و جهیزیه تشکیل داده و منتهی به صدور آراء قطعی گردیده، به علت اینکه خوانده بدون اجازه او مجدداً ازدواج و به این ترتیب از شرط مقرر در بند ۱۲ نکاح‌نامه تخلف کرده تقاضای اعمال وکالت در طلاق خود را نموده است. خوانده در لایحه‌ای که بعد از جلسه اول دادرسی به دادگاه تقدیم داشته اظهار نموده که خواهان از او تمکین نداشته و با وجود صدور حکم محکومیت بر تمکین حاضر به تمکین نشده و او با اخذ اجازه از دادگاه اقدام به ازدواج نموده است. تصاویر احکام مورد استناد خود را نیز ارائه نموده است. دادگاه پس از ارجاع امر به داوری و اظهارنظر داوران سرانجام به موجب دادنامه شماره ۱۳۸۸/۲/۲-۹۵ بعد از بیان موضوع دعوا و خلاصه اظهارات زوجین تخلف خوانده از شرط ضمن عقد نکاح را محرز و مسلم دانسته و با استناد به مواد ۲۳۴، ۲۳۷ و ۱۱۱۹ قانون مدنی و ماده ۴ قانون ازدواج و ماده ۱۰ قانون حمایت خانواده گواهی عدم امکان سازش صادر نموده و ضمن بیان اینکه زوجه مهریه و جهیزیه خود را در پرونده‌های دیگری مطالبه نموده و نفقه معوقه را نیز جداگانه مطالبه می‌نماید به زوجه اجازه داده است تا به یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق مراجعه و پس از اجرای صیغه طلاق با اعمال وکالت حاصل از طریق تحقق شرط ضمن‌العقد نسبت به ثبت رسمی طلاق اقدام و اسناد و دفاتر مربوطه را اصالتاً و نیز به وکالت از شوهرش امضاء نماید. نوع طلاق بائن اعلام شده است. بر اثر تجدیدنظرخواهی زوج پرونده در شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان مطرح رسیدگی قرار گرفته و این شعبه طبق دادنامه شماره ۶۴۰۰۸۵۲ - ۱۳۸۸/۵/۱۹ خلاصتاً با این استدلال که تحقق شرط اعمال وکالت در طلاق برای زوجه موضوع بند ۱۲ نکاح‌نامه مختص به موردی است که زوج بدون امتناع زوجه از تمکین و بدون اجازه دادگاه ازدواج نماید و در صورت امتناع زوجه از تمکین و ازدواج مجدد زوج با اجازه دادگاه، شرط مزبور محقق نخواهد شد، تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص داده و ضمن نقض رأی تجدیدنظرخواسته حکم بر بطلان دعوی خواهان بدوی (زوجه) صادر کرده است. به گواهی دفتر دادگاه از این رأی فرجام‌خواهی نگردیده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان همدان وکالت زوجه از زوج موضوع بند ۱۲ نکاح‌نامه را به اعتبار اطلاق شرط، در موردی هم که زوجه

تمکین نداشته و زوج با اجازه دادگاه اقدام به ازدواج مجدد کرده، محقق و قابل اعمال دانسته، ولی شعبه چهارم همان دادگاه شرط مزبور را منصرف از موردی دانسته که زوجه از زوج تمکین نداشته و زوج با اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج مجدد نموده است، بنا به مراتب در اجرای ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی دارد.

شایان ذکر است که هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور در پرونده‌های اصراری ردیف‌های ۵۰/۸۵ و ۱۳/۸۷ شرط وکالت زوجه در طلاق را با این عبارت «چنانچه زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار نماید، زوجه حق وکالت در طلاق را دارد» منصرف از ازدواج مجدد زوج به حکم دادگاه به جهت عدم تمکین زوجه ندانسته و آراء اصراری دادگاه‌ها را که متضمن این معنا بوده به شرح آراء شماره‌های ۴-۱۳۸۶/۲/۲۵ و ۱۶-۱۳۸۷/۱۰/۲۴ ابرام کرده است.

حسینعلی نبّری - معاون قضایی دیوان عالی کشور

ج : نظریه دادستان کل کشور: تأیید رأی شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان همدان

د: رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶-۱۳۸۹/۷/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، بنابراین در صورتی که بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع و زوج این امر را در دادگاه اثبات و با اخذ اجازه از دادگاه همسر دیگری اختیار نماید، وکالت زوجه از زوج در طلاق که به حکم ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ضمن عقد نکاح شرط و مراتب در سند ازدواج ذیل بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ قید گردیده، محقق و قابل اعمال نیست، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر انطباق دارد مورد تأیید است. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹)

بخش سوم:



۱. رأی شماره ۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ضرورت پرداخت بهای عرصه و

اعیان املاک اشخاصی که توسط دولت جهت اجرای طرح‌های عمرانی مورد تملک قرار می‌گیرد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۱/۲۳

شماره دادنامه: ۴

کلاس پرونده: ۵/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

موضوع: اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه‌های شماره ۶۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۷ و شماره ۱۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

گردشکار: در نامه‌های تقدیمی به عنوان رئیس دیوان عدالت اداری اعلام شده است، آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۶۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۷ و ۱۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱، به لحاظ مغایرت با دادنامه شماره ۲۰۴ مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سبب تضییع حقوق قانونی از جمله حق مالکیت مشروع افراد گردیده و به جهت ذیل قابلیت نقض دارند:

۱- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۷ و با استناد به بند ۹ ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ که مقرر می‌دارد: «اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راه‌های اصلی یا فرعی و یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب و لوله گاز و نفت قرار می‌گیرد، با رعایت حریم مورد لزوم که از طرف هیأت وزیران تعیین خواهد شد، از طرف دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد و از بابت این حق ارتفاق، وجهی پرداخت نخواهد شد.» این گونه تصرفات را به منزله حق ارتفاق تلقی کرده که در قبال آن به صاحبان زمین وجهی پرداخت نمی‌شود. نظر به اینکه هیأت عمومی در اثر برداشت ناصحیح از اصطلاح «حق ارتفاق»، واگذاری مجانی اراضی افراد به دستگاه‌های دولتی را استنباط نموده است، در حقیقت جواز غصب و تصرف و تسلط من غیر حق اراضی و املاک افراد را برای دولت مقرر داشته و این اقدام مغایر با اصل ۴۰ قانون اساسی و مخالف قاعده فقهی تسلیط می‌باشد.

۲- حسب مقررات لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، در صورت نیاز به اراضی و املاک اشخاص چه در نقاط شهری یا خارج از آن، نحوه تعیین بهای اراضی و املاک و حقوق متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی در ماده سه قانون فوق‌الذکر از طریق توافق دستگاه‌های دولتی با مالک و در ماده چهارم در صورت عدم توافق طرفین با تعیین هیأت کارشناسی رسمی دادگستری جهت پرداخت قیمت عادلانه اراضی تعیین تکلیف گردیده است و استناد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به بند ۹ ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه برای عدم پرداخت وجهی بابت اراضی مورد نیاز دولت در خارج از شهرها و به قرینه وجود حق ارتفاق مجانی جهت استفاده از اراضی مذکور برای دولت، با توجه به اصول ۲۲ و ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجیهی نداشته و از حیث اینکه افراد را از مالکیت مشروع خود محروم می‌نماید خلاف موازین شرعی می‌باشد و اصولاً مقررات استنادی (بند ۹ ماده ۵۰) به تصریح ماده ۱۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ به عنوان مقررات مغایر نسخ گردیده است.

۳- از طرفی شورای نگهبان، طی نامه شماره ۷/۲۱/۴۲۹۶ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۳ اعلام داشته: «قطع نظر از این که اطلاق بند ۹ ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ در مورد اراضی موقوفه با تبصره ۴ ماده ۵ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ نسخ شده و قانونیت ندارد، اطلاق آن در مورد این اراضی خلاف شرع است و باید به شرحی که در تبصره ۴ فوق‌الذکر آمده است قیمت آن و یا مال الاجاره‌اش پرداخت گردد.» که این نظریه مبین مغایرت بند ۹ ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ می‌باشد. بنابراین در لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ در خصوص چگونگی تملک اراضی مورد نیاز سازمان‌های دولتی از اشخاص اعم از اراضی شهری و روستایی و چه داخل و یا خارج از محدوده شهر باشد حکم قانونی برای پرداخت بهای اراضی مقرر گردیده و موید این امر است که آرای شماره ۶۰ و ۱۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر اصول و مقررات مذکور می‌باشد.

۴- در بند ۹ ماده ۵۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۱ صرفاً حق ارتفاق برای دولت پیش‌بینی شده و نوعاً حق ارتفاق بعد از اعمال تصرف دولت و اجرای طرح‌های عمرانی آن ایجاد می‌شود و این حق غیر از تصرف و تملک می‌باشد و آنچه برای دولت به نحو مجانی ایجاد می‌شود حق ارتفاق است نه حق تصرف و تملک. ۵- در مواردی که دولت زمین‌های مردم را جهت اجرای طرح‌های عمرانی تصرف و مورد استفاده قرار دهد طبق قانون مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب موظف به پرداخت بهای آن بوده است و دادنامه شماره ۲۰۴ مورخ ۱۳۶۹/۶/۱۳ هیأت عمومی در مقام تبیین مراد قانونگذار و مقررات تملک اراضی اشخاص در صورت اجرای طرح‌های عمرانی و دولتی و حق ارتفاق ناشی از آن بوده است.

۶- در ماده ۳ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب، تصریح گردیده «بهای عادلانه اراضی، ابنیه، مستحقات... و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین دستگاه اجرایی و مالک... تعیین می‌گردد.» و در تبصره ۲ ماده ۳ همین قانون مقرر گردیده که در صورت حصول توافق با مالک، دستگاه‌های اجرایی موظفند ظرف مدت ۳ ماه نسبت به خرید املاک یا آزاد سازی آنان اقدام نمایند و در ماده ۵ همان قانون هم بر پرداخت قیمت عادلانه روز تقویم اراضی و املاک اشخاص چه در حوزه شهری و یا خارج از آن تأکید گردیده است که موید عدم جواز تصرف و تصاحب مجانی اراضی اشخاص توسط مراجع دولتی می‌باشد.

۷- بنابراین دلایل و مستندات و قواعد و مقررات قانونی حاکم به موضوع، خصوصاً لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ که موخر بر قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ می‌باشد و مستنداً به قاعده تسلیط و اصل مسلم فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» توافق با مالک و جلب رضایت آنان برای تملک و پرداخت بهای اراضی و مستحقات واقع در طرح‌های عمرانی دولت به بهای عادلانه روز ضرورت دارد. و با توجه به صراحت حکم ماده ۱۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ مبنی بر اینکه: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن

قانون ملغی الاثر شده است...» بنابراین اقدام مراجع دولتی در تصرف اراضی اشخاص بدون جلب رضایت آنها و قبل از پرداخت قیمت اراضی مطابق مواد ۳۰۳ و ۳۰۸ قانون مدنی عملی غاصبانه و من غیر حق بوده و مراجع مذکور مطابق مواد ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۳۱ و ۳۳۷ قانون مدنی، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص می‌باشند. با توجه به مستندات مذکور این نتیجه عاید می‌گردد که ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ منسوخ و به تبع آن آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۶۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۷ و ۱۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱ خلاف قانون و مقررات جاری انشاء گردیده و قابل امعان نظر مجدد در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشد. پس از بررسی موضوع در کمیسیون تخصصی اراضی و محیط زیست دیوان عدالت اداری و اظهار نظر مشاورین و ملاحظه استفساریه شماره ۱۷۸۸۶۶/۱۰/د مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ رئیس محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر:

بسمه تعالی

حضرت آیت الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان
با سلام

«بند (۹) ماده (۵۰) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ مقرر می‌دارد: اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راه‌های اصلی یا فرعی و یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب و لوله‌های گاز و نفت قرار می‌گیرد با رعایت حریم مورد نظر که از طرف هیأت وزیران تعیین خواهد شد از طرف دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد و از بابت این حق ارتفاق وجهی پرداخت نخواهد شد. ملاک تشخیص محدوده شهر نقشه مصوب انجمن شهر هر محل خواهد بود که قبل از شروع مراحل طرح عمرانی مورد عمل شهرداری‌ها باشد.

با توجه به اینکه به استناد مقررہ یاد شده بیش از سی سال است که (حق ارتفاق) مورد نظر به صاحبان رسمی اراضی مشمول آن تعلق نمی‌گیرد و دولت وجهی پرداخت نکرده است و هنوز حکم قانونی مزبور استمرار دارد. نظر تفسیری شورای محترم نگهبان را به

استناد اصل چهارم قانون اساسی، در خصوص مغایر شرع بودن و یا مغایر شرع نبودن آن اعلام دارند.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل

و ملاحظه پاسخ شماره ۸۶/۳۰/۲۲۸۱۸ مورخ ۱۳۸۶/۷/۸ دبیر محترم شورای نگهبان مبنی بر:

بسم تعالی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۷۸۸۶۶/۱۰/د مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ «مبنی بر درخواست اظهار نظر درباره بند (۹) ماده (۵۰) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۷/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

اطلاق جواز استفاده نمودن دولت از اراضی مذکور خلاف موازین شرع دانسته شد زیرا شامل اراضی که طبق ضوابط شرعی دارای مالک یا ذی‌حق شرعی می‌باشد نیز می‌گردد و لذا اطلاق جواز استفاده بدون رضایت مالک یا ذی‌حق در فرض عدم وجود ضرورت مبیحه خلاف موازین شرع می‌باشد. البته قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی که شامل این موارد می‌شود لازم است مورد توجه قرار گیرد. همچنین عدم پرداخت وجه در مواردی که عیناً یا منفعتاً مشمول ضمان ید می‌باشد - مانند مواردی که طبق ضوابط شرعی مالک داشته باشد - خلاف موازین شرع بوده و موجب ضمان می‌گردد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

با اعمال ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۴ پرونده در جلسه ۱۳۸۹/۱/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان بررسی و پس از بحث و تبادل نظر با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نمایند.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه به موجب لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷، دولت، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی اعم از اینکه شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام باشد یا نباشد و شهرداری‌ها مکلف به پرداخت بهای عرصه و اعیان مورد تملک گردیده‌اند و به موجب نظریه شماره ۸۶/۳۰/۲۲۸۱۸ مورخ ۱۳۸۶/۷/۸ شورای محترم نگهبان، بند ۹ ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ خلاف موازین شرع اعلام شده است، لذا آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۶۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۷ و ۱۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۱، که بر خلاف شرایط فوق‌الذکر انشاء گردیده‌اند، مغایر موازین شرعی تشخیص و به تجویز ماده ۵۳ الحاقی به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۴ نقض می‌گردند.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

۲. رأی شماره ۳۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع کمیسیون موضوع تبصره ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری حق اظهارنظر نسبت به تغییر کاربری و انجام فعالیت جدید علاوه بر پلمپ را ندارد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۸/۱۷

شماره دادنامه: ۳۷۱

کلاس پرونده: ۵۵۴/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای ناصر پارسا.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۱، در پرونده کلاس‌های ۱۲۵/۸۸/۳۰ و ۲۱۴۶/۸۷/۳۰ صادره از شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت با دادنامه شماره ۲۴۶۹ مورخ ۱۳۸۸/۹/۳۰، در پرونده کلاس ۱۷۳۷/۸۷/۲۸ صادره از شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت.

گردشکار: وکیل شاکی با تقدیم درخواستی اشعار داشته: کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری حسب رأی شماره ۳/۴۳/۵ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۳ برای ۲ نفر به نام آقایان سیدذبیح‌اله میرهاشمی و ناصر پارسا در خصوص نوع فعالیت محل کسب به طور جداگانه اصدار رأی نموده و با استدلال ۱- ایجاد مزاحمت ۲- ایجاد رعب و وحشت ۳- عدم الزام به قوانین، حکم به پلمپ و انسداد مغازه‌های کسبی ایشان صادر نموده است و همچنین اعلام نموده است که تا تغییر کاربری و انجام فعالیت جدید با هماهنگی شهرداری مغازه‌ها تعطیل باشند، هر یک از شکات به طور جداگانه از رأی صادره اعتراض نموده و با تقدیم دادخواست به دیوان تقاضای نقض آن را نموده‌اند. لذا با توجه به مراتب مذکور پرونده‌های متشکله به شعب ۲۸ و ۳۰ دیوان عدالت اداری ارجاع و شعبه ۲۸ به موجب دادنامه شماره ۲۴۶۹ شکایت شاکی را رد و شعبه ۳۰ به موجب دادنامه شماره ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶، شکایت شاکی را وارد تشخیص داده است. با توجه به تعارض آراء فوق‌الذکر صدور رأی وحدت رویه مورد استدعاست. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف - شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۳۷/۸۷، موضوع شکایت آقای ناصر پارسا، به طرفیت شهرداری اراک و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری به شماره ۳/۴۲۱۵ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳، طی دادنامه شماره ۲۴۶۹ مورخ ۱۳۸۸/۹/۳۰، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه ایراد و اعتراض موثر و موجهی که موجب نقض رأی معترض‌عنه گردد، ابراز و اقامه نگردیده و تمسک شاکی به برائت از امر جزائی موجهی برای عدم طرح موضوع در کمیسیون مشاغل مزاحم نیست و دادگاه جزائی به نوعی مزاحمت را پذیرفته لکن سوء نیت و عنصر روانی جرم را احراز نکرده است، مضافاً رأی اصدار صحیحاً صادر و مابینت و مغایرتی با موازین قانونی نداشته و تخلفی از قوانین که موجب تضییع حقوق شاکی شده باشد، مشهود نیست. بنابراین دعوی مطروحه غیروارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۵/۸۸/۳۰ و ۲۱۴۶/۸۷/۳۰، موضوع شکایت آقای سید ذبیح‌اله میرقاسمی (دعوی اصلی) حیدر اصفهانی (دعوی ورود ثالث)، به طرفیت شهرداری اراک (دعوی اصلی) کمیسیون مشاغل مزاحم (ورود ثالث) و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۳/۴۲/۵

مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۳ و رفع اثر از دستور موقت، طی دادنامه شماره ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶، مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۱، چنین انشاء رأی نموده است: اولاً، شاکی سیدذبیح‌اله میرقاسمی دارای پروانه کسب لوازم خانگی صادره از اتحادیه صنف لوازم خانگی به شماره ۵۴۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۷، می‌باشد. ثانیاً، فروش لوازم خانگی از مشاغل مزاحم نمی‌باشد نظر به اینکه رأی کمیسیون دلالت بر پلمپ و انسداد مغازه تا تغییر کاربری و فعالیت جدید کسبی می‌باشد، صحیح نبوده و خارج از حدود اختیارات کمیسیون مذکور صادر شده است. ثالثاً، به فرض ثبوت این امر که فعالیت شاکی شارژ سیلندرهای ۲ و ۱۱ کیلویی می‌باشد نه توزیع آن و اثبات این امر منوط به تحقیق و معاینه محل از طریق کمیسیون رسیدگی‌کننده می‌باشد و شکایت اشخاص و یا گزارش شهرداری کافی برای اثبات آن نخواهد بود. رابعاً، حکم مقرر در قانون شهرداری بند ۲۰ ماده ۵۵ منحصراً تعطیلی محل و جلوگیری از فعالیتی است که ایجاد مزاحمت نموده و از مشاغل و صنایع آلودگان باشد و صدور حکم مبنی بر تغییر فعالیت کسبی و انسداد مغازه که مجوز فعالیت کسبی دارد، صحیح به نظر نمی‌رسد، بدیهی است که تصمیم کمیسیون در حقوق شارژ سیلندر از هر نوع آن مبنی بر ممنوعیت فعالیت در محل مذکور چون رأی معترض‌عنه از جهت تعیین مجازات و اثبات تخلف مخدوش می‌باشد نقض و رسیدگی مجدد به کمیسیون هم‌عرض ارجاع می‌گردد و اما شکایت آقای حیدر اصفهانی به عنوان ورود ثالث در اعتراض به تصمیم این شعبه مبنی بر صدور دستور موقت به شماره دادنامه ۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۵، چون بدون طرح دعوی به اصل شکایت بوده است مستنداً به ماده ۱۵ قانون دیوان عدالت اداری مسموع نمی‌باشد. صرف نظر از مراتب مذکور سمت مشارالیه در مانحن فیه ذینفع باشد، ارائه نشده است و نهایتاً اینکه شکایت مالکین محل جنبه اعلامی دارد و در اثبات از نفی تخلف شاکی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده بزه یا تخلف نمی‌باشد. علیهذا قرار رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای هیأت عمومی

حکم مقرر در بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری، برای مراکز مزاحم یا مخالف اصول بهداشت صرفاً تعطیلی، تخریب و یا انتقال به خارج از شهر را تجویز نموده است و نظر به اینکه شکات پرونده‌های موضوع تعارض، از اتحادیه صنف لوازم خانگی در رسته توزیع سیلندرهای ۲ و ۱۱ کیلوئی پروانه فعالیت داشته‌اند، تصمیم کمیسیون موضوع تبصره بند ۲۰ قانون فوق‌الذکر که برای جلوگیری از مزاحمت مراکز مورد شکایت علاوه بر پلمپ و انسداد مغازه رأی بر کاربری و فعالیت جاری و هماهنگی با شهرداری در ایجاد صنف و انجام فعالیت جدید کسبی صادر نموده است، مغایر با حکم قانونگذار و خارج از حدود اختیارات کمیسیون مذکور، تشخیص داده شد، از این جهت رأی شعبه سی‌ام دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۱۵۶ و ۱۱۵۵ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۱، در حد نقض رأی کمیسیون صحیح و موافق اصول و موازین قانونی اعلام می‌گردد. این رأی به استناد ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

۳. رأی شماره ۳۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تحت پوشش بیمه قرار دادن کارکنان بنیاد مستضعفان از بدو تأسیس در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱ با توافق سازمان تأمین اجتماعی منافاتی با قانون ندارد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱

شماره دادنامه: ۳۷۴

کلاس پرونده: ۵۷۸/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: مدیرکل سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۹۱۲ مورخ

۱۳۸۸/۵/۱۲، در پرونده کلاس ۷۰/۸۷/۱۷، صادره از شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری مبنی

بر رد شکایت و دادنامه شماره ۲۹۱۰ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۵، در پرونده کلاسه ۱۵۷۰/۸۸/۲۵، صادره از شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت با دادنامه شماره ۱۹۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۷، در پرونده کلاسه ۱۱۸۸/۸۸/۱۷، صادره از شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت و دادنامه شماره ۲۲۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۴، در پرونده کلاسه ۱۱۸۴/۸۷/۱۵، صادره از شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت.

گردشکار: مدیرکل سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی طی درخواست تقدیمی به شماره ۹۴/۷/۳/۵۳۸ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۸، اعلام نموده است، شعب ۱۷، ۲۵ و ۱۵ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته شکات مبنی بر الزام بنیاد مستضعفان به پرداخت حق بیمه آراء متناقضی صادر نموده‌اند که به موجب آن آراء، شعبه ۱۷ دیوان طی دادنامه شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲، با این استدلال که کارکنان بنیاد از ۱۳۶۱/۱۱/۱، مشمول قانون تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند، قرار رد شکایت شاکی را صادر نموده است و شعبه ۱۷ دیوان طی دادنامه شماره ۱۹۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۷، ضمن وارد دانستن شکایت، این نهاد را محکوم به پرداخت حق بیمه مشارالیه از ابتدای سال ۱۳۶۱ تا آخر سال ۱۳۶۸ نموده، صرف نظر از اینکه ادعای کارگر از تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱ بوده است ولیکن در دادنامه شماره ۲۲۴۲ صادره از شعبه ۱۵ دیوان ضمن وارد دانستن شکایت، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی را محکوم به پرداخت حق بیمه فاصله زمانی مذکور نموده است و در دادنامه شماره ۲۹۱۰ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۵، صادره از شعبه ۲۵ دیوان با این استدلال که شاکی می‌بایست بدو به هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار مراجعه نماید، حکم به رد شکایت شاکی صادر نموده است. لذا نظر به اینکه در دو مورد نخست احکام صادره از شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری دو حکم متناقض در موارد مشابه صادر گردیده در حالی که شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری حکم محکومیت این نهاد را به پرداخت حق بیمه صادر نموده است که با رأی مذکور در بند یک این لایحه در تعارض و تضاد است. لذا بنا به مراتب معروض و نظر به اینکه تناقض در آراء متعدد صادره از شعبه ۱۷، ۲۵ و ۱۵، بعضاً موجب تضییع حقوق بیت‌المال یا کارگر خواهد بود، خواهان رسیدگی و ارجاع امر به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری جهت صدور رأی وحدت رویه گردیده است. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف - شعبه بیست و پنجم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۷۰/۸۸/۲۵، موضوع شکایت آقای میرصمد عزیزاده، به طرفیت سازمان اموال بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی - سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته پرداخت حق بیمه و احتساب سنوات، طی دادنامه شماره ۲۹۱۰ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۵، چنین انشاء رأی نموده است: شاکی در شرکت کشاورزی و باغداری فردوس تهران اشتغال به کار داشته که دارای ماهیت حقوق مستقل از بنیاد و مشمول مقررات قانون کار می‌باشد که بر این اساس طبق ماده ۱۵۷ قانون کار رسیدگی به شکایت شاکی بدو می‌بایست در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار می‌باشد. بنابراین در وضعیت موجود شکایت شاکی قابلیت طرح در دیوان را ندارد و رد می‌گردد.

ب - شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۰/۸۸/۱۷، موضوع شکایت آقای محمد تقی عرب‌زاده‌بحری، به طرفیت تأمین اجتماعی شعبه یک کرج ۲- بنیاد مستضعفان کرج (اداره کل اموال و املاک غرب استان تهران) و به خواسته الزام بنیاد به محاسبه و پرداخت حق بیمه به مدت ۴۰ ماه و الزام سازمان به قبول حق بیمه و منظور نمودن سابقه، طی دادنامه شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه اولاً مدیرکل اموال و املاک غرب استان تهران اعلام کرد، شاکی هیچ گونه پرونده پرسنلی در اداره کل ندارد. ثانیاً، مدیرکل تأمین اجتماعی شهرستان‌های استان تهران اعلام کرد، کارکنان بنیاد مستضعفان از تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱، مشمول قانون تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند. ثالثاً، سابقه شاکی از بهمن ماه سال ۱۳۶۱ جزو سوابق وی قرار گرفته است، بنابراین در مجموع خواسته شاکی مبنی بر احتساب سابقه و الزام به پرداخت حق بیمه قبل از ۱۳۶۱/۱۱/۱، قابل استماع نمی‌باشد، قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ج - شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۸۸/۸۸/۱۷، موضوع شکایت آقای سجاد پسندپورمراغی، به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی کرج - اداره کل اموال و املاک بنیاد مستضعفان کرج و به خواسته الزام سازمان به وصول حق بیمه از تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱ تاکنون و بنیاد مستضعفان به واریز نمودن بیمه، طی دادنامه شماره ۱۹۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۷، چنین انشاء رأی نموده است: سابقه شاکی از تاریخ

ابتدای سال ۱۳۶۹ لغایت آخر مرداد سال ۱۳۸۸ جزو سوابق نامبرده محاسبه گردیده و لیست پرداخت حق بیمه و احتساب سابقه پیوست پرونده گردیده است. بنابراین شکایت در این قسمت تحصیل حاصل و سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. ثانیاً، در مورد احتساب سابقه و واریز حق بیمه از ابتدای سال ۱۳۶۱ لغایت آخر سال ۱۳۶۸ با عنایت به اینکه مدارک پیوست دادخواست از جمله کارنامه سابقه پرداخت حق بیمه تنظیمی در تأمین اجتماعی شعبه ۳ کرج حکایت از اشتغال به کار شاکی از سال ۱۳۶۱ لغایت آخر سال ۱۳۶۸ دارد و از طرفی عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرما رافع مسئولیت سازمان در قبال کارگر نمی‌باشد بنابراین شکایت مطروحه در این قسمت وارد تشخیص گردید و مستنداً به مواد ۱۴۸ قانون کار و ۳۶ قانون تأمین اجتماعی و مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان رأی به ورود شکایت و الزام بنیاد (شرکت وابسته بنیاد) به پرداخت حق بیمه و سازمان به قبول و پذیرش حق بیمه و احتساب مدت مرقوم جزء سوابق بیمه‌ای شاکی صادر و اعلام می‌گردد. د- شعبه پانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۸۴/۸۷/۱۵، موضوع شکایت آقای حسین فیلی اسکونی به طرفیت سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان و سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پرداخت حق بیمه و به پذیرش آن و احتساب سابقه، طی دادنامه شماره ۲۲۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۴، چنین انشاء رأی نموده است: شاکی به عنوان تکنیسین از ۱۳۵۹/۲/۱ در باغ مهرشهر مشغول به کار بوده و در تاریخ مزبور کلیه حقوق و مزایای قانونی ایشان محاسبه و پرداخت گردید و نهاد متبوع حق بیمه سهم کارفرما را نسبت به نامبرده به طور مستمر پرداخت نموده و سازمان تأمین اجتماعی به وظایف قانونی خود در احتساب آن به عنوان حق بیمه کارمند اقدام ننموده و سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه دفاعیه شماره ۴۵۰۳۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۹، بدون دفاع ماهوی به طرح ایراد شکلی تحت عنوان اینکه خواسته شاکی قبلاً رسیدگی و منتهی به صدور دادنامه شماره ۲۰۳ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۵، امر مختومه تلقی گردیده و خواهان رد شکایت می‌باشد. علیهذا و به دلایل فوق‌الاشعار به ویژه آنکه اولاً دادنامه مورد استناد سازمان تأمین اجتماعی به دلیل عدم ارائه مدارک کافی منتهی به صدور قرار رد شکایت گردید نه حکم قطعی تا از مصادیق امر مختومه تلقی شود. ثانیاً، با توجه به مفاد لایحه سازمان اموال و املاک بنیاد یکی از

طرف‌های شکایت مبنی بر پرداخت حق بیمه شاکی و یا حداقل اعلام آمادگی جهت پرداخت آن در نتیجه شکایت شاکی وارد تشخیص و رأی به ورود شکایت دایر بر الزام سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان به پرداخت حق بیمه در فاصله زمانی مورد درخواست شاکی و نیز الزام سازمان تأمین اجتماعی به پذیرش حق بیمه و احتساب سابقه صادر و اعلام می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

اولاً، تعارض آراء در مدلول دادنامه شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ صادره از شعبه هفدهم از یک طرف و دادنامه شماره ۲۲۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۴ صادره از شعبه پانزدهم و دادنامه شماره ۱۹۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۷ شعبه هفدهم محرز است. ثانیاً، نظر به اینکه به استناد بند (الف) ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی هرکس در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کند، مشمول قانون تأمین اجتماعی است و توافق بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی با سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر تحت پوشش قرار دادن کارکنان آن بنیاد از بدو تاسیس در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱ منافاتی با مواد ۷ و ۴۸ قانون تأمین اجتماعی ندارد و نافی تکلیف سازمان تأمین اجتماعی در انجام الزامات مندرج در ماده ۴ نخواهد بود. علیهذا دادنامه‌های شماره ۲۲۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۴ و ۱۹۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۷ صادره از شعب پانزدهم و هفدهم درحدی که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶)

۴. رأی شماره ۳۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص مطالبه حق بیمه معوقه بالحاظ میانگین حداقل و حداکثر سال محاسبه، خلاف قانون است .

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱

شماره دادنامه: ۳۷۵

کلاس پرونده: ۳۶۰/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم پری طوریان.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستور اداری شماره ۲۲۶/م/۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۳

سازمان تأمین اجتماعی تهران بزرگ.

گردشکار: شکیه طی دادخواست تقدیمی اظهار داشته است، کارفرما شرکت پوکه معدنی ملار به استناد آراء مورخ ۱۳۸۶/۴/۲ و ۱۳۸۸/۲/۶ (اصلاحی ۱۳۸۸/۳/۱۷) هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار و در اجرای مفاد ۱۴۸ قانون کار مکلف به پرداخت حق بیمه از تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱ لغایت ۱۳۸۷/۱۰/۱۰، به سازمان تأمین اجتماعی گردید و سازمان بر اساس دستور اداری شماره ۲۲۶/م/۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۳ (در اجرای دستور اداری دیگر به شماره ۴۷۱۱۲ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳۱) و برخلاف قانون و خارج از حدود اختیار خواستار پرداخت حق بیمه با میانگین حداقل دستمزد سال پرداخت محاسبه شده است. بنابراین تقاضای ابطال آن را دارد. سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت شکیه، طی لایحه دفاعیه‌ای به شماره ۷۱۰۰/۲۶۵۱۰ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۸، اعلام داشته است:

الف - دفاع شکلی: ۱- بند یک ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری حدود و صلاحیت هیأت عمومی را رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی، شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون تعیین نموده است. در حالی که شاکی تقاضای لغو نامه شماره ۲۲۶/م/۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۳ را که موضوع آن نحوه محاسبه سوابق معوق موضوع دستور اداری شماره ۴۷۱۱۲ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳۱ اداره کل تهران بزرگ می‌باشد، را دارد. بنابراین نامه معترض‌عنه یک نامه اداری و برای تبیین محاسبه سوابق معوقه صادر شده و از مصادیق

موارد احصاء شده در بند یک ماده ۱۹ دیوان عدالت اداری نبوده و مشمول عنوان آیین نامه و دستور اداری که با طی روند خاص تصویب می گردد، نیست. لذا موضوع خواسته شاکی قابل طرح در شعب دیوان عدالت اداری بوده و از این حیث قابل رد می باشد. ۲- از آنجائی که موضوع ابطال بند ۴ بخشنامه ۵۱۵ فنی جایگزین به شماره ۲۸۳۲ مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۲ در خصوص محاسبه حق بیمه ایام معوق در هیأت عمومی مطرح و پس از رسیدگی نهایتاً منتهی به دادنامه شماره ۷۱۲ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۲ شده است و مفاد آن مؤید انطباق اقدامات سازمان با قوانین و مقررات مربوطه می باشد. بنابراین موضوع از اعتبار قضیه محکوم بها برخوردار بوده و از این حیث شکایت شاکی قابل طرح و رسیدگی مجدد نبوده و لذا مطابق ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری رد آن مورد استدعا است.

ب - دفاعیات ماهوی: ۱- ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی حق بیمه سهم کارفرما را بیست درصد مزد یا حقوق بیمه شده تعیین نموده که با احتساب سهم بیمه شده (۷ درصد مزد یا حقوق بیمه شده) و کمک دولت (۳ درصد) به سی درصد مزد و حقوق افزایش می یابد. ضمناً بر اساس قانون بیمه بیکاری مصوب سال ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی ۳ درصد به نرخ حق بیمه موضوع ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی افزوده گردیده است. ۲- بر اساس ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی مقرر گردیده: « کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده به سازمان تادیه نماید. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود. تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود. ۳- طبق ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی نیز کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد و همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به سازمان تسلیم نماید و نیز بر اساس ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی در صورتی که کارفرما از ارسال صورت مزد مذکور در ماده ۳۹ قانون فوق الذکر خودداری کند، سازمان می تواند حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه و وصول نماید. بنابراین با توجه به تکلیف قانونی کارفرما مبنی بر پرداخت حق بیمه مقرر مربوط به هر ماه حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان

و اینکه در صورت خودداری کارفرما از انجام تکلیف قانونی مذکور، ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی حاکم بر تعیین حق بیمه بوده و سازمان در اجرای ماده یاد شده می‌تواند حق بیمه موصوف را رأساً تعیین و از کارفرما وصول نماید. بدین توضیح که سازمان در اجرای ماده ۴۰ و به منظور تعیین حق بیمه مقرر در ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی می‌بایست مزد یا حقوق بیمه شده را ملاک عمل قرار دهد منتهی از آن جایی که کارفرما حکم مقرر در ماده ۳۹ را اجرا ننموده و از ارسال صورت مزد و حقوق کارگر خودداری کرده است به واسطه مشخص نبودن مزد یا حقوق، عملاً تعیین میزان حق بیمه برای سازمان در ایام مورد ادعای شاکی میسر نمی‌باشد، بر این اساس با اختیار حاصله از ماده ۴۰ که سازمان را مخیر در تعیین حق بیمه ایام گذشته نموده است سازمان نیز چنانچه بیمه شده در زمان تقاضا اشتغال داشته باشد، مزد یا حقوق مندرج در آخرین لیست ارسالی کارفرما را ملاک عمل قرار می‌دهد در غیر این صورت جهت تعیین مزد یا حقوق کارگر، میانگین حداقل و حداکثر مزد یا حقوق را ملاک عمل قرار می‌دهد. بنابراین ترتیب مزبور دقیقاً در اجرای ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و منطبق با قانون و در جهت حفظ حقوق بیمه شده می‌باشد. بنابراین کارفرمایان نمی‌توانند تصور کنند که هر زمان می‌توانند لیست حقوق یا مزد هر ماه را به سازمان ارائه دهند بلکه در این خصوص به استناد ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی با محدودیت زمانی رو به رو هستند و می‌بایست لیست‌های خود را در موعد مقرر قانونی ارائه دهند در غیر این صورت سازمان قانوناً حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه می‌نماید. زیرا مطابق ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی «در صورتی که کارفرما از ارسال صورت مزد مذکور در ماده ۳۹ این قانون خودداری کند سازمان می‌تواند حق بیمه را رأساً تعیین و از کارفرما مطالبه و وصول نماید.» با وصف مراتب وفق دستور اداری معترض‌عنه مبتنی بر قانون صادر شده است و از این حیث خواسته شاکی وجاهت قانونی ندارد. ۴- بر اساس قانون و مقررات تأمین اجتماعی، سازمان مکلف است تعهدات قانونی خود را نسبت به بیمه‌شدگان مشمول قانون مزبور از زمان استحقاق و بدون وقفه انجام دهد و نمی‌تواند از انجام این امر استکاف نماید. لذا این امر میسر نمی‌گردد، مگر اینکه کارفرمایان نیز وفق قانون و مقررات جاری و در موعد مقرر نسبت به ارائه لیست حقوق یا مزد و پرداخت حق بیمه اقدام نمایند. در این راستا چنانچه کارفرمایان با این تصور که هر

زمان می‌توانند لیست حقوق یا مزد هر ماه را به سازمان ارائه دهند و سازمان نیز بر اساس نرخ حق بیمه زمان اشتغال آن را محاسبه و دریافت نماید، این عمل علاوه بر اینکه خلاف اصول و محاسبات بیمه‌ای می‌باشد، تبعیض ناروا است بین این قبیل کارفرمایان و کارفرمایانی که به موقع به تکالیف قانونی خود عمل می‌نمایند، همچنین باعث ورود خسارت فراوان مالی به صندوق تأمین اجتماعی که متعلق حق بیمه‌شدگان است، خواهد شد. لذا در صورت ایجاد رویه مزبور هیچ کارفرمایی حاضر نمی‌شود در موعد مقرر قانونی نسبت به ارائه لیست حقوق یا مزد و پرداخت حق بیمه کارگران خود اقدام نماید در نتیجه سازمان نیز به دلیل عدم وصول به موقع حق بیمه‌های موصوف نمی‌تواند تکالیف قانونی خود را به موقع نسبت به بیمه‌شدگان مشمول قانون انجام دهد. رعایت منافع و مصالح سازمان قانونگذار را بر آن داشته تا در این قبیل موارد اختیار تعیین میزان حق بیمه و نحوه وصول آن را در ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی به اختیار سازمان تأمین اجتماعی واگذار نماید. در این ارتباط با تعامل به عمل آمده با وزارت کار و امور اجتماعی و به منظور ضابطه‌مند نمودن نحوه صدور آراء توسط مراجع حل اختلاف (موضوع ماده ۱۴۸ قانون کار) و لحاظ نمودن مقررات قانون تأمین اجتماعی منتهی به صدور دستورالعمل شماره ۲۹۱۳۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰، از سوی اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارتخانه متبوع گردیده که بر اساس بند ۴ دستورالعمل مذکور مقرر گردید « با توجه به مفاد ماده ۱۴۸ قانون کار و همچنین دادنامه شماره ۲۹-۲۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مراجع حل اختلاف در واقع صرفاً نسبت به احراز رابطه کار، سابقه اشتغال و مدت کارکرد و الزام کارفرما به اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار اقدام نماید و مواردی همچون میزان حق بیمه، جرایم و دیرکردها، وجود یا عدم پوشش بیمه‌ای در بازه زمانی مربوط در مورد شغل یا کارگاه کارگر ذینفع و به طور کلی همه کلیات و جزئیات مربوط، در حدود صلاحیت و اختیارات مراجع حل اختلاف نمی‌باشد. لذا در این مورد لازم است مراجع مذکور پس از درج سابقه اشتغال و مدت کارکرد احراز شده، الزام کارفرما به اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار را با قید « مطابق مقررات قانون تأمین اجتماعی و سایر ضوابط و مقررات مرتبط» مقید نمایند بدیهی است که تشخیص و تعیین و اجرای قید فوق‌الذکر بر عهده سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد.» بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد اقدام سازمان در تعیین

مبنای محاسبه حق بیمه دقیقاً وفق قوانین و مقررات جاری می‌باشد. ضمن اینکه شکایت بیمه شده ناظر به این امر می‌باشد که مبنای محاسبه سازمان که بر اساس میانگین حداقل و حداکثر حق بیمه استوار است به ضرر وی بوده و خواهان تغییر مبنای محاسبه جهت افزایش میزان دستمزد مبنای کسر حق بیمه می‌باشد که این امر هر چند به نفع سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد اما به ضرر کارفرمایان بوده و اعتراض آنها را به همراه خواهد داشت. ضمناً لازم به ذکر است که علی‌رغم اینکه مراجع حل اختلاف خارج از حدود و اختیارات و صلاحیت مبادرت به تعیین حقوق و دستمزد ایام معوقه شاکی نموده است، لیکن سازمان تأمین اجتماعی در اجرای آرای موصوف اقدام به محاسبه و مطالبه حق بیمه نموده است. بنابراین چنانچه شاکی معترض نحوه اجرای آراء موصوف باشد با توجه به توضیحات مندرج در قسمت الف (ایراد شکلی) موضوع نامه معترض‌عنه اساساً قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نبوده و بایستی در شعب دیوان عدالت اداری مطرح رسیدگی قرار گیرد و از این حیث نیز دعوی شاکی قابل رد می‌باشد. با عنایت به مراتب فوق و اینکه نامه معترض‌عنه براساس ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی و مطابق با موازین قانونی صادر و صرفاً ناظر بر کارفرمایانی است که حق بیمه سنوات گذشته کارکنان تحت پوشش خود را پرداخت نکرده‌اند و در نتیجه به موجب آراء صادره از مراجع صلاحیتدار محکوم به پرداخت حق بیمه موصوف گردیده‌اند و میزان حق بیمه، جرایم و دیرکردها مطابق مقررات تأمین اجتماعی و سایر ضوابط و مقررات مرتبط بر عهده سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد، بنا بر مراتب فوق رد شکایت شاکی مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی از اول سال ۱۳۵۵ مبنای احتساب حق بیمه کارفرما بیست درصد حقوق یا مزد ماهانه بیمه‌شده تعیین گردد و براساس ماده ۳۶ قانون مذکور کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده

به سازمان تأمین اجتماعی بوده و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا، سهم بیمه‌شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده به سازمان تأدیه نماید و در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه‌شده خودداری کند، شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود. علیهذا مطالبه حق بیمه معوقه با لحاظ میانگین حداقل و حداکثر دستمزد سال محاسبه، مصرح در بخشنامه شماره ۲۲۶/م/۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۳ مدیرکل تهران بزرگ سازمان تأمین اجتماعی خلاف مقررات فوق‌الذکر و خارج از حدود اختیارات سازمان تأمین اجتماعی تشخیص داده می‌شود و با استناد به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶)

۵. رأی شماره ۳۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال تبصره یک ماده ۱۵ آئین‌نامه اجرایی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی شرکت مخابرات مبنی بر دریافت مبلغی مازاد بر هزینه‌های جاری دستگاه اجرایی از وام‌گیرندگان به لحاظ مغایرت با قانون

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۸

شماره دادنامه: ۳۷۹

کلاس پرونده: ۴۸۸/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای رضا قاسمی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره یک ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی موضوع مصوبه شماره ۲۲۴ مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت مخابرات ایران.

گردشکار: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و لایحه تکمیلی اعلام داشته است، شرکت مخابرات ایران بر اساس مصوبه فوق‌الاشاره از محل فروش خانه‌های سازمانی به کارکنان خود وام خرید مسکن پرداخت می‌نماید و از وام‌گیرندگان معادل ۵٪ سود دریافت می‌کند. لهذا با توجه به اینکه اخذ سود مذکور در قالب عقود شرعی به نحو مضاربه و غیره

نمی‌باشد و صرفاً یک نوع توافق (تحمیلی) برای دریافت سود از متقاضیان به میزان مرقوم و بر اساس آیین‌نامه صدرالذکر می‌باشد، موضوع در شمول تعریف مندرج در بند (الف) ماده یک قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی قرار می‌گیرد و ممنوع است که علاوه بر این، اولاً؛ موضوع پس از کسب تکلیف از دفتر مقام معظم رهبری و احراز غیرشرعی بودن آن توسط مقام معظم له طی نامه شماره ۱۵۲/ت/۱۲۸ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۷، به وزیر وقت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات اطلاع داده شده و متعاقباً طی نامه شماره ۱۱/۴۰۸۳۹ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۵، دفتر وزیر محترم وقت مراتب به معاون وزیر و رئیس هیأت مدیره شرکت مخابرات ایران جهت بررسی و اقدام لازم ارجاع گردید که تاکنون اقدام لازم مبذول نگردید.

ثانیاً؛ دفتر حقوقی شرکت مخابرات طی نامه شماره ی ۱۵۱/۱۶۹۱۰ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹، در پاسخ به سوالات مطروحه معاونت مالی اداری شرکت مخابرات ایران ضمن قبول موضوع، عدم اجرای مصوبه شماره ۲۲۴ مجمع عمومی را اصلاح آن توسط خود مجمع عمومی دانسته است. لذا با توجه به مراتب معنونه ضمن مخالفت مسلم مصوبه فوق‌الاشاره با شرع انور اسلام و نیز نظر مقام معظم ولایت فقیه و نظر به اینکه اخذ سود وام موصوف تحت عنوان کارمزد با در نظر گرفتن وضعیت مالی کارکنان وام‌گیرنده موجب عسرت آنان می‌شود. لذا به استناد مادتين يك و ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری و توجه به اصل ۱۷۰ از قانون اساسی که قضات محترم را مکلف نموده از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف مقررات اسلامی می‌باشد، خودداری نمایند، متقاضی ابطال مصوبه فوق‌الذکر می‌باشم.

دفتر حقوقی شرکت مخابرات ایران در پاسخ به شکایت شاکی طی لایحه دفاعیه‌ای به شماره ۱۵۱/۷۸۲۰۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۱، اعلام داشته است: آیین‌نامه اجرایی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی و املاک بلااستفاده در اجرای مفاد ماده ۲۹ قانون استخدام شرکت‌های دولتی به منظور کمک به تأمین مسکن کارکنان فاقد مسکن در سال ۱۳۸۲ توسط مجمع عمومی صاحبان سهام طی صورت جلسه شماره ۲۲۴ تصویب و بر اساس آن مقرر گردید از محل فروش خانه‌های سازمانی، به کارکنان فاقد مسکن و واجد شرایط وام مسکن اعطاء گردد، که در این راستا ضمن اعطاء وام به واجدین، ۵٪ سود به عنوان کارمزد به اضافه ۲٪ تحت سرفصل بیمه از وام پرداختی در اجرای مقررات مربوطه از

مشمولین اخذ گردیده است، لذا با عنایت به اینکه مصوبه شماره ۲۲۴ مجمع عمومی صاحبان سهام با رعایت مقررات مربوطه وضع گردیده است، نه تنها خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌باشد بلکه شرکت متبوع نیز قانوناً به عنوان مجری ملزم به رعایت و اجراء آن بوده است که بنا به مراتب فوق و با امعان نظر در مستندات، رسیدگی به موضوع و رد آن مورد استدعاست. قائم مقام دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موضوع تبصره یک ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرائی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی با موازین شرع مقدس اسلام و فتوای مقام معظم رهبری (موضوع مصوبه شماره ۲۲۴ مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت مخابرات ایران)، طی نامه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۳۵۴ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۹، اعلام داشته‌اند: با عنایت به فتوای مقام معظم رهبری مدظله العالی، در صورتی که مبلغ دریافتی به عنوان کارمزد بیش از مقدار مورد نیاز در اداره صندوق وام‌دهنده باشد، اخذ این مبلغ زائد خلاف موازین شرع است و اگر این صندوق هیچ خرجی نداشته باشد، اخذ تمام کارمزد خلاف موازین شرع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با توجه به نظریه مورخ ۸۹/۳۰/۳۸۳۵۴ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۹ فقهای معظم شورای نگهبان مبنی بر اینکه «با عنایت به فتوای مقام معظم رهبری مدظله العالی (پیوست پرونده) در صورتی که مبلغ دریافتی به عنوان کارمزد بیش از مقدار مورد نیاز در اداره صندوق وام‌دهنده باشد، اخذ این مبلغ زائد، خلاف موازین شرع است و اگر این صندوق هیچ خرجی نداشته باشد، اخذ تمام کارمزد خلاف موازین شرع می‌باشد.» تبصره یک ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرائی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی از این حیث که متضمن دریافت مبلغی مازاد بر هزینه‌های جاری دستگاه اجرائی می‌باشد، در اجرای نظریه فقهای محترم شورای نگهبان و مستنداً به ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶)

۶. رأی شماره ۳۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اطلاق بند ۷ بخشنامه شماره ۲۳۲/۲۶۹/۱۹۰۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ سازمان امور مالیاتی کشور در الزام مؤدیان به ضمیمه کردن قرارداد حسابرسی به همراه اظهارنامه خلاف شرع شناخته شد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۸

شماره دادنامه: ۳۸۰

کلاس پرونده: ۵۲۱/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای حسین فرنام.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۷ بخشنامه شماره ۲۳۲/۲۶۹/۱۹۰۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ سازمان امور مالیاتی کشور.

گردشکار: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام نموده است، سازمان امور مالیاتی کشور در اجرای بند (د) ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم اقدام به صدور بخشنامه فوق‌الذکر نموده است که اولاً بند (۷) بخشنامه مذکور هیچ گونه ارتباطی با بند (د) قانون که مقرر داشته: «د- سایر مواردی که در نمونه گزارش حسابرسی مالیاتی مورد نظر سازمان امور مالیاتی کشور تعیین خواهد شد.» ندارد، زیرا به صراحت حکم قانونی فوق‌الذکر سازمان امور مالیاتی صرفاً مواردی را که باید در نمونه گزارش حسابرسی مالیاتی درج گردد می‌تواند مشخص نماید و لا غیر. ثانیاً، در تبصره یک ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، قبول گزارش حسابرسی مالیاتی صرفاً موکول به ارائه گزارش حسابرسی مالی و گزارش حسابرسی مالیاتی همراه با اظهارنامه مالیاتی و یا حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه مالیاتی گردیده است و هیچ گونه تکلیفی برای ارائه قرارداد حسابرسی مالیاتی همراه با اظهارنامه مالیاتی که در بند (۷) بخشنامه مقرر گردیده است، وجود ندارد. بنابراین تصدیق می‌فرمایند که بند ۷ بخشنامه مورد بحث در حکم وضع قاعده آمره مبنی بر ایجاد تکلیف در مورد مؤدیانی است که در اجرای ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم حسابرسی مالی و مالیاتی خود را به حسابدار رسمی واگذار می‌نمایند. ثالثاً، اجرای حکم بند ۷ بخشنامه در مواردی غیرممکن است. زیرا با توجه به مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی (فروردین لغایت تیر ماه هر سال برای عملکرد سال قبل)، چنانچه مؤدی

اظهارنامه خود را در فروردین تسلیم نماید و قرارداد انجام حسابرسی را در اردیبهشت ماه منعقد نماید، در این صورت اجرای بند ۷ عملاً دستور به امر غیرممکن است که فاقد وجاهت شرعی است، زیرا که اجرای حکم موضوع بند ۷ بخشنامه مذکور در چنین مواردی تکلیف به اجرای امری غیرممکن است که خداوند عالم نیز چنین تکلیفی نمی‌فرماید، زیرا خداوند در قرآن مجید می‌فرماید «لا یکلف الله نفساً الا وسعها» و اگر گفته شود که قرارداد باید در سال قبل منعقد می‌شد نه تنها حکمی خلاف قانون است بلکه با توجه به تاریخ بخشنامه (۱۳۸۸/۲/۲۳) حداقل در مورد عملکرد سال ۱۳۸۷ غیرقابل اجراء می‌باشد. با عنایت به دلایل فوق‌الذکر که حکم مذکور خلاف شرع و قانون و خارج از اختیار سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد، متقاضی ابطال بند ۷ بخشنامه مذکور می‌باشم.

رئیس گروه امور حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور، در پاسخ به شکایت شاکی، طی لایحه دفاعیه‌ای به شماره ۱۳۸۸/۶۸۵۱۲/ص مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۹ ضمن ارسال تصویرنامه شماره ۲۳۰/۵۲۵۹۵ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۴ معاونت عملیاتی سازمان متبوع، اعلام داشته است:

۱- بخشنامه یادشده حسب مجوز بند (د) ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم صادر گردیده است. ۲- در اجرای ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱ مجلس شورای اسلامی ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده از حسابداران مذکور تجویز و آنان را مکلف نموده که گزارش حسابرسی مالیاتی را طبق نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی تهیه می‌شود تنظیم و در اختیار مؤدی قرار دهند و گزارش مذکور را به شرط داشتن موارد مذکور در بندهای (الف تا د) و تبصره‌های ماده مذکور قابل رسیدگی دانسته است، و در بند (د) ماده یادشده سایر مواردی که در نمونه گزارش حسابرسی مالیاتی مورد نظر سازمان متبوع می‌باشد قابل پیش‌بینی دانسته است و یکی از این موارد به موجب تبصره ۴ ماده ۵ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۴ ماده واحده قانون استفاده از خدمات حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۴۰ت/۳۷۱۲۹ک مورخ ۱۳۸۷/۱/۱۰ هیأت وزیران تعیین شده است. تبصره ۴ ماده ۵ اصلاحی آیین‌نامه یادشده مقرر می‌دارد: «اشخاصی که انجام حسابرسی مالیاتی را به حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی و یا سازمان حسابرسی ارجاع می‌نمایند، مکلفند

یک نسخه از قرارداد با حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی یا سازمان حسابرسی را همراه با اظهارنامه مالیاتی به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نمایند.» ۳- سازمان امور مالیاتی کشور مراتب یادشده در تبصره فوق‌الذکر را عیناً در بند ۷ بخشنامه مورد بحث آورده است و در واقع موضوع بند ۷ بخشنامه مذکور همان موضوع تبصره ۴ ماده ۵ اصلاح آیین‌نامه اجرایی تبصره ۴ ماده واحده مارالذکر می‌باشد و از آن جایی که آیین‌نامه اخیرالذکر لازم‌الاجراء است و از سوی مراجع ذیصلاح ابطال نگردیده لذا خواسته شاکی محکوم به رد است، با عنایت به مراتب فوق‌الذکر استدعای رسیدگی و رد شکایت شاکی را دارد.

قائم‌مقام دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موضوع بند ۷ بخشنامه شماره ۲۳۲/۲۶۹/۱۹۰۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ سازمان امور مالیاتی، اعلام داشته است: اطلاق بند ۷ نسبت به موردی که مؤدیان در زمان قبل از صدور بخشنامه مزبور اظهارنامه تسلیم نموده‌اند و الزام آنان به ضمیمه کردن قرارداد حسابرسی موجب تضییع حقشان و عندالاقضاء اخذ مالیات علی‌الرأس از آنها می‌شود، خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با توجه به نامه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۵۱۴ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۰ قائم‌مقام محترم دبیر شورای نگهبان مبنی بر اینکه «مطابق نظر فقهای معظم شورا اطلاق بند ۷ نسبت به موردی که مؤدیان در زمان قبل از صدور بخشنامه مزبور اظهارنامه تسلیم نموده‌اند و الزام آنان به ضمیمه کردن قرارداد حسابرسی موجب تضییع حقشان و عندالاقضاء اخذ مالیات علی‌الرأس از آنها می‌شود، خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.» بنابراین اطلاق بند ۷ بخشنامه شماره ۲۳۲/۲۶۹/۱۹۰۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ سازمان

امور مالیاتی کشور از ابتداء سال ۱۳۸۸ تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن بخشنامه مورد شکایت در اجرای نظریه فقهای معظم شورای نگهبان و مستنداً به ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶)

۷. رأی شماره ۳۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع با توجه به ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان، پرداخت عیدی دوران اسارت و جاهت قانونی ندارد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱۵

شماره دادنامه: ۳۸۱

کلاس پرونده: ۶۰۵/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۲۵۸۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۶، در پرونده کلاس ۹۲۱/۸۷/۱، صادره از شعبه اول دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت با دادنامه شماره ۳۳۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۷، در پرونده کلاس ۱۳۳۷/۸۵/۱۴ صادره از شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت.

گردشکار: رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران طی درخواست تقدیمی به شماره ۱۱/۸۶۷۳۶/ص مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۲، اعلام داشته است، شعب اول و چهاردهم دیوان عدالت اداری در خصوص الزام به پرداخت عیدی دوران اسارت آزادگان، آراء متناقضی صادر نموده‌اند. با عنایت به اینکه این حق در قانون حمایت آزادگان پیش‌بینی نگردیده است و پرداخت مبلغ قطعی عیدی سالانه کارکنان الزاماً در ضوابط اجرایی بودجه هر سال پیش‌بینی و منوط به تصویب هیأت محترم وزیران و مختص به افراد شاغل و بازنشسته می‌باشد، فلذا به جهت صدور آراء معارض در موضوع واحد و به استناد ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری خواهان رسیدگی و ارجاع امر به هیأت عمومی جهت صدور رأی وحدت رویه گردیده است. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد. الف - شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاس ۹۲۱/۸۷، موضوع شکایت

آقای محمدحسین جعفرزاده، به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به خواسته تقاضای صدور حکم مبنی بر الزام خوانده به پرداخت حق لباس و حق ماموریت و عیدی دوران اسارت به مدت ۶/۵ سال، طی دادنامه شماره ۲۵۸۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۶، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه بر اساس ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان مرخصی استحقاقی آزادگان به میزان دو برابر سنوات خدمتی آنان براساس آخرین حقوق و مزایا قابل پرداخت می‌باشد و حق لباس و حق ماموریت که با توجه به شغل و ماموریت پرسنل در زمان اشتغال تعلق می‌گیرد جزء حقوق و مزایای مستمر محسوب نمی‌شود و مجوز قانونی جهت پرداخت موارد مذکور موجود نمی‌باشد، علیهذا حکم به رد شکایت شاکی در قسمت مزبور به مطالبه حق ماموریت و حق لباس برای دوران اسارت صادر و اعلام می‌دارد، در خصوص مطالبه عیدی برای دوران مذکور مستنداً به ماده قانونی مذکور خواسته شاکی در این قسمت موجه بوده و حکم به ورود شکایت مطروحه در حد پرداخت عیدی سالیانه برای مرخصی استحقاقی ایام اسارت صادر و اعلام می‌دارد. ب - شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۳۷/۸۵، موضوع شکایت آقای علیرضا درخشان‌پور، به طرفیت شرکت بازرگانی دولتی ایران و به خواسته الزام به پرداخت حقوق و مزایای مرخصی و عیدی دوران اسارت، طی دادنامه شماره ۳۳۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ چنین انشاء رأی نموده است: نظر به تبصره ماده ۸ قانون حمایت از آزادگان (اسرای آزادشده) بعد از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۸/۹/۱۳، مبنی بر ذخیره شدن مرخصی‌های استحقاقی سالیانه آزادگان به نسبت مدت اسارت و ماده ۱۳ این قانون دائر به احتساب هر یک سال اسارت در سابقه خدمت رسمی به مدت دو سال شرکت خوانده ملزم به پرداخت حقوق و مزایای مربوط به مرخصی‌های استحقاقی سالیانه به نسبت مدت اسارت با لحاظ ماده ۱۳ مذکور در حق خواهان می‌گردد و راجع به مطالبه عیدی دوران اسارت نظر به عدم پیش‌بینی این حق در قانون و موجه نبودن دادخواست در این قسمت حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

اولاً، تعارض در مدلول آراء فوق‌الذکر محرز می‌باشد. ثانیاً، نظر به اینکه مقررات ماده ۱۳ قانون حمایت از آزادگان بعد از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۹ ناظر به نحوه احتساب سوابق خدمتی و محاسبه آن در ارتقاء شغلی و بازنشستگی بوده و حکمی در باب پرداخت عیدی ایام اسارت ندارد، لذا با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۸ رأی شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۳۳۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ که بر عدم استحقاق شاکی به دریافت عیدی دوران اسارت صادر گردیده صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶)

۸. رأی شماره ۳۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص فسخ قرارداد انجام کار معین با اعلام قبلی ظرف ۱۵ روز خلاف قانون نیست.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱۵

شماره دادنامه: ۳۸۳

کلاس پرونده: ۶۰۶/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۱۵۷۶ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۳، در پرونده کلاس ۹۲۷/۸۸، صادره از شعبه اول دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت با دادنامه شماره ۶۳۹ مورخ ۱۳۸۹/۴/۸ در پرونده کلاس ۱۱۹۸/۸۸، صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت.

گردشکار: رئیس اداره حقوقی، بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران طی درخواست تقدیمی به شماره ۲۹۷۰-۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۵/۱۶، اشعار داشته است، شعب اول و سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات دو نفر از پرسنل این سازمان به خواسته اعتراض به لغو قرارداد و بازگشت به کار، که به دلیل عدم نیاز خدمات آنان مستنداً به قرارداد فی‌مابین و بند ۵ بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۸۴۸ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به فسخ و لغو قراردادشان اقدام گردیده دو رأی متناقض و مغایر صادر نموده‌اند. بدین نحو که قرارداد شماره ۱۲۳۵-۸۷/۵ مورخ ۱۳۸۷/۴/۳، بین سازمان متبوع و شاکی حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۹ معتبر و موثر بوده و پس از آن علی‌القاعده و حسب رویه معمول طبق ضوابط و مقررات، تاریخ قرارداد خاتمه می‌یابد و طرفین هیچ گونه حق و حقوق و تعهدی نسبت به یکدیگر نخواهند داشت و قرارداد جدید در صورت نیاز منعقد می‌گردد. ضمن آنکه سازمان متبوع عدم نیاز به خدمات شکات را مستنداً به بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور، به موجب نامه‌های شماره ۵۹۰۷-۵۱-۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۶ و ۵۱۸۳-۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲، به نامبردگان اعلام نموده است، لیکن شعبه سوم با این استدلال که بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور در ارتباط با لزوم تمدید قرارداد مستخدمین مشمول قرارداد کار معین می‌باشد به این نتیجه رسیده‌اند که لغو قرارداد توجیه قانونی نداشته و شاکی باید به کار اعاده شود. که این استدلال شعبه سوم با اصل آزادی اشخاص در عقد قراردادها در تضاد و مغایرت صریح قانون است و بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهوری از شرایط، مفاد و متحدالشکل بودن قرارداد با مستخدمان غیرثابت دولت حکایت می‌کند و هیچ‌گونه تکلیفی در رابطه با لزوم عقد الی‌الابد با طرف‌های قرارداد کار معین ایجاد نمی‌کند، چه در غیر این صورت نیروهای مذکور با مستخدمان رسمی از نظر ماهیت استخدامی تفاوت نخواهند کرد. در ضمن مدت قراردادهای کار معین طبق بخشنامه فوق‌الذکر حداکثر یک ساله تنظیم می‌گردند تا تعهدی مبنی بر استخدام برای سال‌های آتی ایجاد ننماید. فلذا به جهت صدور آراء متناقض در موضوع واحد و مشابه، مستنداً به ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۵۸، خواهان رسیدگی و ارجاع امر به هیأت عمومی جهت صدور رأی وحدت رویه گردیده است. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف - شعبه اول دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۲۷/۸۸، موضوع شکایت آقای ابوالفضل بهمن‌آبادی، به طرفیت سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، به خواسته اعتراض به لغو قرارداد و بازگشت به کار، طی دادنامه شماره ۱۵۷۶ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۳، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه شاکی از تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۹ به صورت قراردادی به خدمت دستگاه پذیرفته شده و مستند قرارداد خدمت شاکی نیز مصوبه شماره ۱۰۰/۴۸۴۸ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بوده که براساس بند ۵ دستورالعمل مزبور هر یک از طرفین قرارداد می‌تواند با ۱۵ روز اعلام قبلی نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند و با توجه به اینکه به موجب نامه شماره ۷۵۰۵۲۸۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۷ معاونت اجرائی سازمان طرف شکایت قرارداد شاکی از تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۵، فسخ گردیده. بنابراین اقدامات طرف شکایت مغایر قانون تشخیص نگردیده و دلیلی بر تخلف از مقررات ثابت نمی‌باشد. علیهذا خواسته غیر وارد تشخیص و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه سوم دیوان رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۹۸/۸۸، موضوع شکایت آقای سیدکریم بحرینی، به طرفیت سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، به خواسته بازگشت به کار، طی دادنامه شماره ۶۳۹ مورخ ۱۳۸۹/۴/۸، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه شاکی مدعی است از سال ۱۳۷۶ به صورت قراردادی سابقه خدمت در سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران دارد، این سابقه مورد انکار یا تردید طرف شکایت قرار نگرفته است و با عنایت به اینکه در این صورت بر طبق تصویب‌نامه شماره ۱۷۲۹۶/ت/۳۹۵۱ مورخ ۱۳۷۸/۳/۱ هیأت وزیران و رأی شماره ۵۱۵ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شاکی بایستی در همان تاریخ تبدیل وضعیت پیدا می‌کرد از طرفی بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور در ارتباط با تصویب‌نامه ۱۳۸۴/۱۲/۱۵ هیأت وزیران نیز در جهت لزوم تمدید قرارداد مستخدمین مشمول قرارداد کار معین می‌باشد. به علاوه طرف شکایت دفاع مدلل و منطقی از قبیل عدم نیاز یا تخلف شاکی برای توجیه عدم تمدید قرارداد وی ارائه ننموده است در نتیجه عدم تمدید قرارداد خدمتی شاکی مغایر موازین فوق‌الذکر و نافی حقوق استخدامی مکتسبه وی می‌باشد. لذا حکم به ورود شکایت شاکی و الزام خوانده به اعاده به خدمت وی صادر و اعلام می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

اولاً، تعارض در مدلول آراء فوق‌الذکر محرز می‌باشد. ثانیاً، با عنایت به اینکه شکات پرونده‌های فوق‌الذکر در اجرای مصوبه شماره ۸۴۵۱۵/ت/۳۴۶۱۳ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۰ به صورت قرارداد انجام کار معین به کار گرفته شده‌اند و به دلالت بند ۵ دستورالعمل اخیرالذکر فسخ قراردادهای مذکور با اعلام قبلی ظرف پانزده روز تجویز گردیده و در مقررات تکلیفی بر تمدید قراردادهای مستخدمین یادشده پیش‌بینی نگردیده، بنابراین دادنامه شماره ۱۵۷۶ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۳ در حدی که متضمن این معنی است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶)

۹. رأی شماره ۳۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع حکم مقرر در تبصره ۶ ماده ۹ قانون زمین‌شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مفید حصر تفویض اختیار به وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۲۲

شماره دادنامه: ۳۸۷

کلاس پرونده: ۹۸۷/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدحسین دلال باشی اصفهانی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء بین دادنامه شماره ۳۰۰ مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۴، در پرونده کلاس ۹۷۶/۷۳، صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری مبنی بر

رد شکایت با دادنامه شماره ۱۱۱۰ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۱، در پرونده کلاسه ت ۶۷۴/۷۲/۱ صادره از شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مبنی بر ورود شکایت. گردشکار: شاکی اجمالاً اعلام داشته، اداره تربیت بدنی در اجرای ماده ۹ قانون زمین شهری و با استفاده از نمایندگی سازمان مسکن و شهرسازی مبادرت به تملک پلاک‌های فرعی از ۹۸ اصلی واقع در محمدآباد نموده ایشان تقاضای ابطال اقدامات تملکی سازمان تربیت بدنی را نموده که شعبه سوم دیوان حکم به رد شکایت صادر نموده در حالی که شعبه اول هیأت تجدیدنظر دیوان با تأیید رأی بدوی شعبه ۲۲ حکم به ورود شکایت در مورد یک پلاک اصلی صادر نموده‌اند در آخر تقاضای تعیین رأی صحیح و منطبق با مقررات قانونی را نموده است. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف - شعبه سوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۷۶/۷۳، موضوع شکایت آقایان ۱- باقر کلوشانی ۲- محمدحسین دلال‌باشی، به طرفیت سازمان تربیت بدنی استان اصفهان، به خواسته اعتراض به اعمال غیرقانونی و صدور حکم بر ملغی الاثر ساختن اقدامات مذکور، طی دادنامه شماره ۳۰۰ مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۴، چنین انشاء رأی نموده است: مفاد لایحه جوابیه سازمان طرف شکایت خلاصتاً حاکی از این است که، شش‌دانگ پلاک‌های ۵ و ۲ فرعی از ۹۸ اصلی بخش ۱۶ ثبت اصفهان به انضمام ۹ مزرعه دیگر به مساحت تقریبی ۱۷۰۰ هکتار از جمله پلاک‌های فوق‌الذکر سهمی شکات بر اساس مصوبات کمیسیون ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و در اجرای مفاد ۹ قانون زمین شهری و آیین‌نامه اجرایی مربوطه به عنوان فضای ورزشی طی سند شماره ۶۲۴۷۵ مورخ ۱۳۶۹/۱/۲۷، دفتر ۹ اصفهان به تملک دولت درآمده است و مطالعه و بررسی محتویات پرونده تملک مربوطه تخلفی از مقررات و ضوابط قانونی در اقدامات سازمان طرف شکایت مشاهده نمی‌شود. فلذا شکایت نامبردگان غیروارد تشخیص و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌شود.

ب - شعبه بیست و دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۷۵/۷۱، موضوع شکایت آقایان ۱- احمد کلوشانی ۲- حیدرعلی زمانی، به طرفیت سازمان تربیت بدنی استان اصفهان، به خواسته رسیدگی به اعمال غیر قانونی سازمان نسبت به تملک زراعتی پلاک ۹۸ اصلی و پلاک‌های ۴ و ۶ فرعی از اصلی مرقوم متعلق به نامبرده و

صدور حکم بر رفع تعرض، طی دادنامه شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۵، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه اداره خوانده با توجه به سند انتقال مربوطه و تملک زمین شاکی‌ها را بر اساس تبصره ۶۵ ماده ۹ قانون زمین شهری (پس از تحصیل نظریه کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مبنی بر تشخیص کاربری فضای ورزشی) به قائم مقامی کل مسکن و شهرسازی وزارتخانه مربوطه بر اساس تفویض اختیار حاصله از بخشنامه فوق‌الذکر عملی و سند انتقال را امضاء نموده در حالی که تبصره ۶ ماده ۹ فوق‌الاشعار تملک و امضای سند انتقال مربوط به تملک به قائم مقامی مالک را منحصرأ در اختیار وزارتخانه فوق‌الذکر قرار داده و تفویض اختیار مزبور به سازمان خوانده از ناحیه وزارتخانه مرقوم صحیح نبوده است. چنانچه به این امر در رأی شماره ۱۴۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان تصریح و به همین لحاظ بخشنامه مورد استناد ابطال گردیده است. علیهذا عمل سازمان خوانده به استناد بخشنامه باطل و کان لم یکن شده بر وفق ضوابط و مقررات نبوده است و خواسته شاکی‌ها موجه و حکم به ورود شکایت صادر و بطلان تملک مزبور را اعلام می‌گردد. ب-۲- شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۶۷۴/۷۲/۱، موضوع تجدیدنظرخواهی اداره کل تربیت بدنی استان اصفهان، نسبت به دادنامه شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۵، به شرح دادنامه شماره ۱۱۱۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۱، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدیدنظرخواه اداره کل تربیت بدنی استان اصفهان ایراد و اعتراض موجهی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید، اقامه و ابراز نگردیده است و بر کیفیت رسیدگی و اصدار دادنامه شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۵، صادره از شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری ایراد شکلی به نظر نمی‌رسد. بنابه مجموع مراتب مارالذکر دادنامه بدوی عیناً تأیید می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه حکم مقرر در تبصره ۶ ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مفید حصر تفویض اختیار مذکور در آن تبصره به وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد و رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۶۳ مورخ ۱۳۷۹/۹/۶، تأکید بر مطلب فوق دارد، با احراز تعارض آراء به شرح مرقوم در گردشکار لذا استدلال مندرج در رأی شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری به دادنامه شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۵ که به شرح دادنامه شماره ۱۱۱۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۱ شعبه اول هیأت تجدیدنظر دیوان تأیید گردیده است و اقدامات تربیت بدنی در تملک اراضی در اجرای قانون صدرالذکر را مغایر قانون تشخیص داده است، صحیح و موافق قانون اعلام می‌گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶)

۱۰. رأی شماره ۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع عدم تأمین اعتبار مستطحق شاکي مبنی بر دریافت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت ناشی از ارتقاء شغلی نمی‌باشد.

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۲۹

شماره دادنامه: ۳۹۴

کلاس پرونده: ۶۳۲/۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شکات: آقایان ۱- سیدعبداله سادات مدنی ۲- علی اکبر وهمییان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض

گردشکار: شکات به شرح درخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، شعب ۲ و ۴ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به موضوع پرداخت پاداش پایان خدمت ارتقاء شغلی بازنشستگان آموزش و پرورش آراء متفاوت و متناقضی صادر نموده‌اند، که به موجب آن، شعبه دوم

دیوان با صدور دادنامه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۲، در پرونده کلاسه ۵۰۱/۸۸، حکم به ذی‌حق بودن شاکی صادر و شعبه چهارم به موجب دادنامه‌های شماره ۱۵۹۱ و ۱۵۶۳ مورخ ۱۳۸۸/۸/۶ و ۱۳۸۸/۷/۲۹ در پرونده کلاسه‌های ۷۳۲/۸۸ و ۷۸۲/۸۸، حکم به رد شکایت صادر کرده است. لذا با توجه به آراء معارض مذکور صدور رأی وحدت رویه را خواستار گردیده‌اند. مشروح آراء به شرح زیر می‌باشد:

الف - شعبه دوم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۰۱/۸۸، موضوع شکایت آقای مظاهر سالاری جزی، به طرفیت سازمان آموزش و پرورش استان گلستان، به خواسته الزام به پرداخت مابه‌التفاوت پاداش پایان خدمت ناشی از ارتقاء شغلی، طی دادنامه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۲، چنین انشاء رأی نموده است: نظر به اینکه با صدور احکام ذی‌حق بودن نامبرده ثابت می‌باشد و مطابق رأی وحدت رویه شماره ۳۳-۳۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عدم تأمین اعتبار مسقط حق نمی‌شود، بنابراین خواسته موجه است لذا حکم به ورود شکایت شاکی و الزام به پرداخت مطالبات صادر می‌گردد.

ب - شعبه چهارم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۳۲/۸۸، موضوع شکایت آقای سیدعبداله سادات مدنی، به طرفیت سازمان آموزش و پرورش استان گلستان (شهرستان بندر گز)، به خواسته پرداخت پاداش حسن خدمت به مبلغ ۱۲/۶۱۶/۹۵۰ ریال، طی دادنامه شماره ۱۵۹۱ مورخ ۱۳۸۸/۸/۶، چنین انشاء رأی نموده است: با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه دفاعیه مشتکی‌عنه مبنی بر اینکه نامبرده پاداش پایان خدمت خود را به طور کامل دریافت نموده است و درخواست فوق‌العاده ویژه ارتقای شغلی را می‌نماید نظر بر اینکه فوق‌العاده مزبور منحصرأً شامل ۶۵٪ از واجدین شرایط بوده است و نامبرده جزء ۶۵٪ قرار نگرفته است و سقف ۶۵٪ به موجب بخشنامه شماره ۱۴۰/۲۵۳۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۸ وزارت متبوع که در اجرای تصویب‌نامه جدید هیأت وزیران صادر گردیده است عطف به ماسبق نخواهد شد و از تاریخ صدور آن به بعد قابل اجراء بوده است با التفات به تاریخ بازنشستگی شاکی در سال ۱۳۸۴ شکایت غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ج - شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۸۲/۸۸، موضوع شکایت آقای علی اکبر وهمیانی، به طرفیت سازمان آموزش و پرورش استان گلستان، به خواسته پرداخت پاداش حسن خدمت (موضوع فوق العاده ارتقاء شغلی)، طی دادنامه شماره ۱۵۶۳ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹، چنین انشاء رأی نموده است: با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه دفاعیه مشتکی عنه مبنی بر اینکه نامبرده پاداش پایان خدمت خود را به طور کامل دریافت نموده است و درخواست فوق العاده ویژه ارتقای شغلی را می نماید، نظر به اینکه فوق العاده مزبور منحصرأً شامل ۶۵٪ از واجدین شرایط بوده است و نامبرده جزء ۶۵٪ قرار نگرفته است و سقف ۶۵٪ به موجب بخشنامه شماره ۱۴۰/۲۵۳۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۸ وزارت متبوع که در اجرای تصویب نامه جدید هیأت وزیران صادر گردیده است عطف به ماسبق نخواهد شد و از تاریخ صدور آن به بعد قابل اجراء بوده است با التفات به تاریخ بازنشستگی شاکی در سال ۱۳۸۴ شکایت غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

با توجه به رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۶۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۰ مبنی بر اینکه عدم تأمین اعتبار، مسقط حق مسلم شکات نبوده و حقوق ثابت مستخدمین را از بین نمی برد. ضمن احراز تعارض بین آراء شعبه چهارم و رأی شعبه دوم دیوان عدالت اداری، رأی شعبه دوم به شماره دادنامه ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۲ در حدی که عدم تأمین اعتبار را مسقط حق شاکی ندانسته و حکم به ورود صادر کرده است، صحیح تشخیص و موافق مقررات اعلام می گردد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

۱۱. رأی شماره ۸۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال قسمت دوم بند یک بخشنامه شماره ۱۴۰۱۹/۲۷۰۰/۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن متعاملین عقد اجاره به شرط تملیک را مکلف به پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی می‌نمایند.

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

شماره دادنامه: ۸۳۱

کلاس پرونده: ۹۱۱/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم فاطمه هاشمی طاهری.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۴۱۰۱۹-۲۷۰۰-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱، صادره از سازمان امور مالیاتی کشور به لحاظ مخالفت با ماده ۶۳ قانون مالیات‌های مستقیم.

گردشکار: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، اینجانب یک باب واحد تجاری را در سال ۱۳۸۰ خریداری و با توجه به اینکه پرداخت بهای مغازه به صورت یکجا برایم مقدور نبوده، بنابراین از بانک ملت جهت اخذ وام به صورت اجاره به شرط تملیک و انتقال قطعی سند به نام اینجانب موکول به بازپرداخت تسهیلات بانکی گردید. در آن زمان به واسطه تسهیلات بانکی اجباراً ملکم را به نام بانک نمودم و طبق قوانین و مقررات آن زمان و طبق تحقیقات انجام‌شده از ادارات مالیاتی هیچ‌گونه مالیاتی به اینجانب تعلق نمی‌گرفت و حتی پس از بازپرداخت وام و فک رهن از بانک ملت به اداره مالیاتی مراجعه نموده و بدون پرداخت کوچک‌ترین رقمی و با استفاده از ضوابط قانونی مفاصاحساب به شماره ۰۲/۳۴۲۳۳ مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۱، صادر گردید. با توجه به اینکه تهیه سایر مدارک از قبیل بیمه و پایان کار شهرداری طولانی گردید و اعتبار مفاصاحساب اخذشده از اداره امور مالیاتی به پایان رسیده بود، مجدداً جهت تمديد به اداره امور مالیاتی مراجعه ولی متأسفانه بر خلاف قوانین موضوعه و طبق بخشنامه شماره ۴۱۰۱۹-۲۷۰۰-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱، از اینجانب مطالبه مالیات سرسام‌آوری نموده‌اند که طبق ماده ۶۳ قانون مالیات‌های مستقیم این عمل مغایرت دارد. اینجانب فقط به صرف استفاده از تسهیلات بانکی ملک را به نام بانک انتقال داده‌ام و هیچ‌گونه، عقد بیعی

صورت نگرفته است و از روز اول هم خودم در آنجا مشغول به کار بوده و مالیات مشاغل آن را هم پرداخت نموده‌ام، ملاً به لحاظ اینکه بخشنامه فوق‌الذکر بر خلاف ماده ۶۳ قانون مالیات‌های مستقیم بوده تقاضای ابطال آن را دارم. مدیرکل فنی مالیاتی و قراردادهای بین‌المللی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۱۲/۳۵۹۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱، اعلام داشته‌اند، فارغ از تشریفات قانونی موضوع ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی جهت تنظیم قرارداد اجاره به شرط تملیک با توجه به اینکه اثر این تشریفات زوال مالکیت و نیز انتقال قطعی ملک بوده و طبق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک موصوف همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت‌شده مالک خواهد شناخت، بنابراین انتقال املاک موضوع قراردادهای مورد بحث از شمول ماده ۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم خارج نبوده و از آنجا که به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ‌گونه مالیات و معافیتی وضع نمی‌گردد، مگر به موجب قانون و قانونگذار برای انتقال املاک پس از تحقق شرط تملک در این‌گونه قراردادها معافیتی وضع نکرده است، لذا بخشنامه شماره ۲۱۱/۲۷۰۰/۴۱۰۱۹ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱، این سازمان مطابق موازین قانونی تهیه گردیده است.

هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

با توجه به مواد ۵۹ و ۶۳ قانون مالیات‌های مستقیم اخذ مالیات بر نقل و انتقال قطعی اعم از بیع و غیر آن تجویز گردیده است و عقد اجاره به شرط تملیک در مدت اجاره، معلق و مشروط به تحقق شرایط آن می‌باشد و در این مدت انتقال قطعی صورت نمی‌پذیرد. لذا در مواردی که ضمن معامله بین طرفین، بانک نیز به قصد اعطاء تسهیلات وارد معامله‌شده و به جای انتقال‌گیرنده واقعی سند به نام بانک صادر

می‌گردد، فقط یک فقره مالیات از انتقال‌دهنده اخذ و موقع تنظیم سند به نام انتقال‌گیرنده واقعی مالیات دیگری نباید مطالبه شود و چون در این مدت، انتقال قطعی صورت نمی‌پذیرد، نمی‌تواند واجد آثار انتقال قطعی و تبعات ناشی از آن از جمله تکلیف انتقال‌دهنده به پرداخت مالیات باشد، بنابراین قسمت دوم بند یک بخشنامه شماره ۴۱۰۱۹/۲۷۰۰/۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱ سازمان امور مالیاتی کشور که مفهم و متضمن وقوع انتقال قطعی براساس اجاره به شرط تملیک می‌باشد و براساس آن متعاملین عقد اجاره به شرط تملیک را مکلف به پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی می‌نماید، مغایر قانون تشخیص می‌گردد و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲)

بخش چهارم:

استقائات قضایی، نظریات مشورتی و نشست های قضایی

توجه:

از محاطبین محترم درخواست می شود در صورتی که استقائ قضایی یا نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در اختیار دارند، آن را به دفتر ویژه نامه قوانین و مقررات ارسال نمایند تا در صورتی که جدید بوده و برای محاطبین ویژه نامه قابل بهره برداری تشخیص داده شود، در ویژه نامه درج شود.

الف: استفتانات قضایی

۱. استفتاء ۶۷۲: حکم توارث در مرگ ناشی از حوادث مشابه هدم و غرق

پرسش:

بر اساس قانون اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آن که مرگ به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند؛ بفرمایید.

الف. چنانچه افرادی در اثر گاز گرفتگی فوت نمایند و تقدم و تأخر مرگ آنها مشخص نباشد آیا مانند غرق یا هدم از یکدیگر ارث می‌برند؟

ب. به طور کلی در مرگ‌های دسته جمعی هنگامی که تقدم و تأخر فوت افراد مشخص نباشد و در حوادث مختلف فوت نمایند آیا از یکدیگر ارث می‌برند یا آن که این مسأله فقط در هدم و غرق جاری است؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)
اظهار جریان حکم توارث است در هر موردی که به مثابه غرق یا هدم از اسباب قهریه می‌باشد.

(۱۳۸۷/۱۰/۱۰)

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی
به نظر اینجانب احکام مذکوره اختصاص به هدم و غرق در آب ندارد بلکه در هر حادثه- ای که مشابه آن باشد مانند غرق در غیر آب و یا سقوط هواپیما و تصادف ماشین و ... جاری است.

(۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۲۹ هـ. ق)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
تفاوتی بین غرق و هدم و سایر علل و انواع مرگ نیست و در صورت جهل به تقدم و تأخر فوت از همدیگر ارث می‌برند.

(۱۳۸۷/۹/۱۲)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
الف. در فرض مزبور از یکدیگر ارث می‌برند.
ب. چنانچه فوت آنها مستند به حادثه‌ای واحد باشد از یکدیگر ارث می‌برند والا خیر.

(۱۳۸۷/۱۱/۵)

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی
الف و ب. بلی مانند هدم و غرق از یکدیگر ارث می‌برند.

(۱۳۸۷/۹/۲۱)

۲. استفتاء ۶۸۰: مالک جایزه پول متعلق به دو نفر

پرسش:

در صورتی که یک نفر مقداری پول به دیگری بدهد تا به حساب خود برای اخذ تسهیلات و ... واریز و حساب به نام یک نفر، ولی وجه آن مشترک باشد در صورت برنده شدن این حساب در قرعه‌کشی (یک دستگاه خودرو) که قابل توجه نیز می‌باشد؛ بفرمایید:
الف. آیا در کارکرد مشترک وجوه فوق دو نفر شریک بوده و سهم را باید تقسیم نمایند؟
ب. آیا اتومبیل (جایزه) متعلق به دو نفر می‌باشد یا صاحب حساب؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)

اگر فرض بوده مربوط به صاحب حساب است و گرنه مشترک است.

(۱۳۸۷/۸/۲۸)

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

طبق مقررات عمل شود اگر مقررات می‌گوید مال صاحب حساب است باید به وی داده شود.

(۱۳۸۷/۱۰/۳۰)

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

اگر پول مذکور به عنوان قرض داده شده ملک قرض گیرنده است و شرط شرکت هم در جایزه و غیره در ضمن قرض جایز نیست.

(۱۴۲۹/۱۱/۱۷ هـ ق)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

مطابق ضوابط و مقررات بانک عمل می‌شود.

(۱۳۸۷/۸/۱۱)

۳. استفتاء ۷۰۴۱ : حکم مطابق نبودن مبیع با مقدار شرط شده

پرسش:

ماده ۳۵۸ قانون مدنی که از فقه امامیه اتخاذ شده است مقرر می‌دارد: «اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم، کمتر یا بیشتر درآید در صورت اول مشتری و در صورت دو بایع حق فسخ خواهد داشت.» پرسش این است که: آیا حق فسخ مزبور به طور مطلق

است، خواه کمی و زیادی عرفاً قابل مسامحه باشد و خواه نباشد یا تنها در صورتی است که از نظر عرف قابل مسامحه نباشد؟

پاسخ:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی
اگر نقص قابل مسامحه در حدی می‌باشد که عرفاً نقص محسوب نشود موجب حق فسخ نیست.

(۱۷ ذی القعدة ۱۴۲۹ هـ.ق)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
در صورتی که قابل مسامحه باشد حق فسخ نیست.

(۱۳۸۷/۰۶/۲۱)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
اگر مبیع مطابق شرط نباشد، قابل فسخ از طرف مشروط له است هر چند تفاوت قابل مسامحه باشد.

(۱۳۸۷/۱۰/۱۰)

۴. استفتاء ۷۰۴۲: حکم بیع زمین در صورت کشف معدن پس از معامله

پرسش:

گاه ملکی مورد معامله قرار می‌گیرد و پس از معامله، معدنی در آن کشف می‌شود و طبق قوانین فعلی معادن در انحصار دولت است، بنابر این متعلق به دولت خواهد بود، در این صورت آیا مشتری حق فسخ خواهد داشت یا می‌تواند معامله را فسخ نکند و مقداری را که متضرر شده از بایع اخذ کند، یا حکم دیگری دارد و به هر حال آیا بایع می‌تواند از دولت

وجهی را مطالبه نماید؟

پاسخ:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

در فرض سؤال مشتری حق فسخ ندارد و مقداری را که دولت در مسیر تصرف معدن ضرر وارد کرده نمی‌تواند از بایع بگیرد بلی می‌تواند از دولت مطالبه کند.

(۱۷ ذی القعدة ۱۴۲۹ هـ.ق)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

اگر وجود معدن در آن زمین نقص و عیبی در آن شرایط محسوب شود مشتری حق فسخ دارد.

(۱۳۸۷/۰۶/۲۱)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

حکومت که انفال را به دست می‌گیرد، چنانچه باعث ضرر مشتری شود باید آن را جبران کند.

(۱۳۸۷/۱۰/۱۰)

۳. استفتاء ۷۰۶۳ : تداخل جنایات متعدد ناشی از ضربه واحد

پرسش:

اگر کسی با یک ضربه عمدی که غالباً کشنده است موجب جنایتهای متعدد بر اعضای

مجنی علیه شود به گونه‌ای که موجب قتل مجنی علیه گردد، بفرمایید:

الف. در صورتی که همه آسیب‌های وارده در تحقق قتل مؤثر بوده و موجب سرایت به

نفس باشد آیا قصاص اطراف در قصاص نفس تداخل می‌کند یا خیر؟
 ب. در صورتی که محرز باشد که برخی از این آسیب‌ها هیچ نقشی در سرایت به نفس نداشته و فقط برخی از این آسیب‌ها موجب قتل مجنی علیه شده‌اند آیا جانی افزون بر قصاص نفس، در خصوص جنایت غیر مسری، حسب مورد به قصاص عضو یا دیه نیز محکوم می‌شود یا خیر؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)
 الف و ب. ظاهراً در هر دو مورد که آن ضربه منجر به قتل شده در قصاص نفس تداخل می‌کند و در غیر قصاص نفس چیز دیگری ندارد.

(۱۳۸۷/۱۰/۲۱)

آیت الله العظمی جعفر سبحانی
 الف. جنایت متعدد هرگاه منتهی به مرگ شود همگی در دیه و یا قصاص نفس تداخل می‌کند.

ب . پاسخ این سؤال از سؤال قبل روشن باشد.

(۲۶ ذی القعدة ۱۴۲۹ هـ.ق)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
 جنایاتی که سبب قتل شده موجب قصاص است و بقیه دیه دارد.

(۱۳۸۷/۸/۲۴)

ب: نظریات مشورتی

۱. امکان این که دادرس همزمان در دو شعبه مشغول به خدمت باشد وجود ندارد.

پرسش:

در یک دادگستری که دارای یک شعبه حقوقی و یک شعبه جزایی است و دادگاه نیز صرفاً دارای یک رئیس دادگستری (رئیس شعبه اول) و یک دادرس علی البدل است، حال چنین دادرسی می‌تواند همزمان و در یک ساعت با ارجاع رئیس شعبه اول و در غیاب ایشان به هر دو پرونده رسیدگی کند یا خیر؟ و در این خصوص آیا دادرس ملزم به رسیدگی است؟ و در صورت رسیدگی تخلف انتظامی محسوب می‌گردد و طرفین پرونده یا وکیل ایشان می‌توانند به این موضوع اعتراض و ایراد نمایند و در صورت اعتراض، ایراد وارد است یا خیر؟

پاسخ:

امکان این که دادرس همزمان در دو شعبه مشغول به خدمت باشد وجود ندارد. مگر اینکه اوقات رسیدگی پرونده‌های مورد رسیدگی متفاوت باشد و چنانچه رئیس شعبه به هر علتی حضور نداشته باشد دادرس علی البدل را نمی‌توان ملزم به رسیدگی پرونده‌های شعب دیگر نمود. مگر این که پرونده‌های آن شعب اقتضای رسیدگی فوری و خارج از نوبت را داشته باشد و آن هم مشروط به این که در شعبه دیگر، همزمان مشغول رسیدگی نباشد.

(نظریه شماره ۷/۵۹۱۱ مورخ ۱۳۸۶/۹/۶)

۲. تعزیر مذکور در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی حداکثر تا ۷۴ ضربه شلاق می‌باشد.

پرسش:

در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است. درخصوص اینکه اولاً منظور از تعزیر صرفاً شلاق است یا شامل حبس و جزای نقدی و

تبعید می‌شود و ثانیاً در صورتی که شامل حبس نیز باشد محاکم تا چه حد می‌توانند حکم حبس بدهند و اینکه آیا می‌توان کمتر از ۹۱ روز حبس و یا بیشتر از آن حبس داد یا خیر؟

پاسخ:

ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی متخذ از فقه می‌باشد و تعزیر مذکور حداکثر تا ۷۴ ضربه شلاق می‌باشد.

(نظریه شماره ۷/۶۵۷۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵)

۳. ثبت ازدواج منقطع الزامی نیست.

مطابق ماده ۶۴۵ از قانون مجازات اسلامی عدم ثبت ازدواج منقطع مجازاتی ندارد نتیجتاً ثبت آن الزامی نیست و در صورتی که نکاح موقت به موجب حکم قطعی دادگاه یا اقرار زوجین ثابت شده باشد، زوجه برای مطالبه مهریه می‌تواند دادخواست به دادگاه تقدیم نماید و رسمی نبودن عقد نامه مانع انجام آن نخواهد بود.

(نظریه شماره ۷/۱۶۷۰ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۴. قاضی منحصراً مجاز به تعیین مجازات مصرح در قانون است.

قاضی منحصراً مجاز به تعیین مجازات مصرح در قانون است و افزودن چیزی به این مجازات یا تعیین نحوه و کیفیت و محل اجرای حکم بدون مجوز قانونی که احتمالاً موجب تحمیل شرایط سخت تری بر مجرم است جایز نبوده و نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. چنانچه تغییر محل تحمل محکومیت حبس به هر علت ضرورت داشته باشد مطابق مقررات آیین نامه امور زندانها رفتار خواهد شد.

(نظریه شماره ۷/۵۷۴ مورخ ۱۳۸۹/۲/۶)

۵. حداقل حق الوکاله در دعاوی کیفری تعیین نشده است.

با توجه به بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ آیین نامه تعرفه حق الوکاله و حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۵ رئیس قوه قضائیه و دیگر مواد آن حداقل حق

الوکاله در دعاوی کیفری تعیین نشده است، بنابراین نمی‌توان ارقام پیشنهادی را ملاک محاسبه قرار داد. به نظر می‌رسد ضابطه حداقل در دعاوی غیر مالی (سیصد هزار ریال) می‌تواند ملاک محاسبه قرار گیرد (ملاک، بند ج ماده ۸ آیین نامه است).
(نظریه شماره ۷/۶۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۲/۸)

۶. دادرسی عمومی و انقلاب نیز مشمول مقررات آیین نامه تعرفه حق الوکاله و حق المشاوره و

هزینه سفر وکلای دادگستری می‌باشد.

با توجه به این که طبق بند ج ماده ۵ آیین نامه تعرفه حق الوکاله و حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۵ حق الوکاله وکیل در دادرسی نصف میزان حق الوکاله مذکور در ماده ۳ همان آیین نامه تعیین شده است، بدیهی است نام بردن دادرسی نظامی و دادرسی دیوان عالی کشور به صورت تمثیلی است. دادرسی عمومی و انقلاب نیز مشمول مقررات فوق الذکر می‌باشد.

(نظریه شماره ۷/۶۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۲/۸)

۷. اعمال شق ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین

مختص کیفر حبس است.

اعمال شق ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مختص کیفر حبس است و در مواردی که در قانون علاوه بر کیفر حبس مجازات شلاق و جزای نقدی نیز مقرر شده باشد منحصراً کیفر حبس مشمول مقررات تبدیل مجازات به شرح فوق می‌گردد و مجازات شلاق و جزای نقدی از شمول سه گانه ماده ۳ قانون فوق خروج موضوعی دارد.

(نظریه شماره ۷/۱۲۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲)

۸. تعیین حبس کمتر از سه ماه به عنوان تخفیف کیفر توجیه قانونی نداشته و ممنوع است.

با توجه به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای عمومی دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ماه ۱۳۷۳ با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ - ۱۳۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور تعیین حبس کمتر از سه ماه به عنوان تخفیف کیفر توجیه قانونی نداشته و ممنوع است و اگر دادگاه معتقد باشد که ۹۱ روز حبس برای متهم با توجه به اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم شدید است و متهم را مستحق تخفیف بداند باید به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی آن را به جزای نقدی که مناسب‌تر باشد، تبدیل نماید. ضمناً این اداره در هر استعلام به بیش از سه پاسخ معذور است.

(نظریه شماره ۷/۱۲۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲)

۹. محکومیت به دیه کمتر از خمس دیه در صورت توأم شدن با مجازاتی که قابل تجدیدنظر است

قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر خواهد بود.

طبق رأی وحدت رویه شماره ۱۰ سال ۱۳۶۲ دیوان عالی کشور، دیه نوعی ضرر و زیان است، لذا می‌تواند یکی از مصادیق ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ باشد. به این معنی که محکومیت به دیه کمتر از خمس دیه کامله که قطعی است در صورت توأم شدن آن با مجازاتی که قابل تجدیدنظر است قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر خواهد بود و طرفین که از جهت براءت و یا محکومیت جزایی تجدیدنظرخواهی نمایند، دیه هم به تبع آن قابل تجدیدنظر می‌شود.

(نظریه شماره ۷/۱۲۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲)

۱۰. احکام غیابی تا زمانی که ابلاغ واقعی نشده مشمول مرور زمان نیست.

احکام غیابی که به لحاظ ابلاغ قانونی و مضی مهلت‌های واخواهی و تجدیدنظر خواهی طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به موقع اجرا گذاشته می‌شود تا زمانی که ابلاغ واقعی نشده مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۷۴ قانون مزبور نیست زیرا مقررات این ماده شامل احکام قطعی است و مشمول مرور زمان ماده ۱۷۳ هم نمی‌شود زیرا در خصوص اتهام متهم حکم صادر شده است.

(نظریه شماره ۷/۳۳۰۴ مورخ ۱۳۸۹/۶/۶)

۱۱. حکم صادره در خصوص اعسار نمی‌تواند اعتبار امر مختومه پیدا کند.

اعسار امری است حادث و هر آن ممکن است شخص ملی، معسر شود و برعکس، بنابراین چنانچه قبلاً اعسار محکوم علیه رد شده باشد حکم صادره در خصوص اعسار نمی‌تواند اعتبار امر مختومه پیدا کند و محکوم علیه می‌تواند مجدداً با تقدیم دادخواست حکم به ثبوت اعسار خود را از محکمه بخواهد.

(نظریه شماره ۷/۳۶۲۸ مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۲)

۱۲. حامل کالای قاچاق مستقل از مجازات مقرر برای مالک یا دارنده کالای قاچاق بوده و به جزای

نقدی تا معادل دو برابر بهای مجموع کالای قاچاق محکوم خواهد شد.

حامل کالای قاچاق با توجه به ماده ۳ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۱۲ و ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۹/۳/۲۹ مستقل از مجازات مقرر برای مالک یا دارنده کالا قاچاق بوده و به جزای نقدی تا معادل دو برابر بهای مجموع کالای قاچاق محکوم خواهد شد، اعم از اینکه بهای کالای قاچاق کمتر از ده میلیون ریال و یا بیشتر از ده میلیون ریال باشد. تبصره ۲ ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی ناظر به مواردی است که حامل و مالک کالای

قاچاق فقط یک نفر است، در این صورت مجازات متهم منحصر به حکم صادره برای مالک کالای قاچاق خواهد بود.

(نظریه شماره ۷/۳۷۹۱ مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۸)

۱۳. آراء صادره در خصوص قاچاق کالا و ارز مانند سایر احکام جزایی تابع عمومات قانون است.

آراء صادره از محاکم در خصوص قاچاق کالا و ارز از لحاظ قطعیت یا عدم قطعیت و قابلیت یا عدم قابلیت تجدیدنظر خواهی و مرجع آن مانند سایر احکام جزایی تابع عمومات قانون است. توجهاً به ماده ۱۰ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، ماده ۱ قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی در حد مغایرات با مقررات قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۷۴) نسخ شده است. بنابراین در خصوص قاچاق کالا و ارز صرفاً باید طبق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز عمل نمود.

(نظریه شماره ۷/۴۲۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰)

۱۴. پرداخت دیه از بیت المال و مطالبه از صندوق تأمین خسارتهای بدنی دو مقوله متفاوتند.

پرداخت دیه از بیت المال و مطالبه از صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده ۱۰ قانون اصلاح بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ دو مقوله متفاوتند، به طوری که مادام که تأمین خسارتهای بدنی مصدومان این گونه حوادث از طریق صندوق مزبور امکان پذیر باشد نوبت به تأمین آن از بیت المال نمی‌رسد، لیکن پرداخت از بیت المال به استناد ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی مستلزم انجام تحقیقات وسیع و جامع می‌باشد و چنانچه تحقیقات معموله در جهت شناسایی و دستگیری راننده به حد کفایت انجام پذیرفته و از این حیث پرونده کامل باشد مع الوصف به هیچ وجه منجر به شناسایی متهم نشود به لحاظ این که خون مسلمان نباید هدر رود دادسرا در این گونه موارد که امکان صدور قرار مجرمیت

وجود ندارد، بدون نیاز به صدور کیفرخواست مستقیماً پرونده را به دادگاه ارسال می‌دارد، زیرا صدور کیفرخواست در فرضی است که متهم معین باشد و برای فرد ناشناس صدور کیفرخواست موجه و عقلانی نمی‌باشد و دادگاه نیز با استفاده از ملاک ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی حکم مقتضی را صادر می‌نماید، لیکن مطالبه و پرداخت خسارتهای بدنی موضوع ماده ۱۰ قانون صدرالذکر با توجه به ماده ۱۴ همان قانون مستلزم طرح دعوی حقوقی نیست. ولی اگر صندوق به دلایلی از پرداخت خسارت خودداری نماید، زیان دیده می‌تواند با تقدیم دادخواست به طرفیت صندوق مزبور خسارت وارده را مطالبه کند.

(نظریه شماره ۷/۴۲۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰)

۱۵. مقررات ماده ۱۸۴ ق. آ. د. ک شامل مواردی که محکوم علیه بعد از صدور حکم و قطعیت

مرتکب جرم جدید مشابه شود، نمی‌گردد.

چنانچه پس از صدور حکم قطعی معلوم شود که محکوم علیه قبل از صدور رأی مرتکب جرم یا جرایم مشابه دیگری هم شده و به لحاظ آن جرایم نیز حکم محکومیت وی صادر و قطعی شده است، در این صورت بایستی مقررات مربوط به تعدد موضوع ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری یعنی ادغام محکومیت‌ها و صدور حکم واحد اعمال شود. اما چنانچه پس از صدور حکم قطعی، محکوم علیه مرتکب جرم یا جرایم مشابه دیگری شود مشمول مقررات تعدد موضوع ماده ۱۸۴ قانون مذکور نیست. به عبارت دیگر مقررات ماده ۱۸۴ شامل مواردی که محکوم- علیه بعد از محاکمه و صدور حکم و قطعیت آن مرتکب جرم جدید مشابه شود، نمی‌گردد. حکمی که در اجرای ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با توجه به بند الف این ماده از دادگاه عمومی (بدوی) صادر می‌شود غیر قطعی و قابل تجدیدنظر است، لیکن حکم موضوع بندهای ب و ج ماده ۱۸۴ قانون مذکور که به

ترتیب در دادگاه تجدیدنظر و یا بعد از نقض در دیوان عالی کشور توسط شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی صادر می‌شود، قطعی است.

(نظریه شماره ۷/۴۲۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰)

ج: نشست‌های قضایی

۱. آیا انتقال مشروع و صحیح مبیع به ایادی بعدی توسط خریدار در حکم تلف تلقی می‌شود؟

پرسش ۸۹/۱۸۴

آیا انتقال مشروع و صحیح مبیع به ایادی بعدی توسط خریدار در حکم تلف تلقی می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر و به عنوان مثال: آقای الف یک باب ساختمان مسکونی را از آقای ب خریداری و سپس به ج منتقل می‌کند. سالها بعد معامله فیما بین الف و ب ابطال یا فسخ گردد آیا ساختمان باید از ج گرفته و به الف مسترد شود یا خیر؟^۱

نظریه کمیسیون:

نظر به اینکه آثار فسخ مبیعه نامه که از زمان فسخ نسبت به آینده است با آثار بطلان که از ابتدا معامله را از بین می‌برد متفاوت است لذا همانگونه که در مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون مدنی پیش بینی شده، فسخ معامله موجب زوال حقی که متعلق به غیر شده نخواهد بود.

از آنجایی که بطلان مبیعه نامه باعث می‌گردد که مالکیت و ذیحق بودن خریدار منتفی گردد زیرا ابطال معامله آثار تملیک و تملک را مرتفع می‌سازد لذا در این صورت چون بیع باطل اثری در تملک ندارد در صورت وجود عین و ابطال معامله بعدی به اعتبار باطل بودن منشاء مالکیت اولیه، عین مال قابل استرداد است. بنابراین اتفاق نظر اعلام شده تأیید می‌شود.

(کمیسیون مدنی ۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷)

۲. آیا حقوق مستمری وظیفه پرداختی سازمان تأمین اجتماعی به ورثه، ترکه محسوب و قابل

توقیف از سوی طلبکاران است؟

پرسش ۸۹/۱۸۳:

متوفای مدیون، اموال و ترکه‌ای ندارد که طلب طلبکاران از آن وصول شود آیا حقوق و مستمری که از ناحیه سازمان تأمین اجتماعی به ورثه پرداخت می‌شود، ترکه محسوب

۱. نشست قضایی دادگستری بوکان، مرداد ماه ۱۳۸۹.

خواهد شد؟ آیا قابل توقیف له طلبکاران و وصول محکوم به از آن می‌باشد یا خیر؟^۱

نظریه کمیسیون:

حقوق مستمری وظیفه شخص متوفی که تحت شرایطی بعد از فوت به افراد واجب النفقه یا ورثه حائز شرایط پرداخت می‌شود، ترکه متوفی محسوب نمی‌گردد و قابلیت توقیف اجرایی را ندارد. با این ترتیب نظر اکثریت که متضمن این مفاد است تأیید می‌شود. نظریه شماره ۷/۵۱ مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۰ اداره حقوقی نیز مبنی بر اینکه حقوق مستمری جزو ماترک نیست مؤید این مطلب است.

(کمیسیون مدنی ۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷)

۳. آیا معامله ملکی که در رهن بانک بوده با تعهد فک رهن از سوی فروشنده در بیعنامه عادی و

بدون اجازه مرتهن صحیح و نافذ است؟

پرسش ۱۷۶/۸۹:

شخصی ملک مسکونی خویش را که در رهن بانک ملی می‌باشد در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ با قولنامه عادی به دیگری انتقال داده و از کل مبلغ مبيع صد میلیون ریال در حین معامله تودیع و قید می‌شود مبلغ مذکور جهت فک رهن به عنوان بیعنامه به فروشنده پرداخت می‌گردد تا نسبت به فک رهن اقدام نماید و مابقی ثمن با شرایط بانکی بعد از تنظیم سند تا مورخه ۱۳۸۵/۳/۱ توسط خریدار پرداخت خواهد شد. متعاملین نسبت به تعهدات خویش (فک رهن از طرف فروشنده و پرداخت مابقی ثمن از طرف خریدار) عمل ننموده، حال فروشنده به استناد ماده ۷۹۳ قانون مدنی و رأی وحدت رویه ۶۲۰ - ۱۳۷۶/۸/۲۰ دادخواست ابطال قرارداد مورخه فوق الذکر را نموده است. لازم به ذکر است قبل از تقدیم دادخواست ملک مذکور فک رهن شده است. سؤال: آیا معامله ایشان بدون اذن مرتهن (بانک ملی) و با در نظر گرفتن حقوق مرتهن صحیح و نافذ است یا خیر؟^۲

۱. نشست قضایی دادگستری بوکان، مرداد ماه ۱۳۸۹.

۲. نشست قضایی دادگستری چالدران، مرداد ماه ۱۳۸۹.

نظریه کمیسیون:

مقتضای اطلاق چنین مبایعه نامه‌ای این بوده است که فروشنده ملاک را از کلیه موانع قانونی و هرگونه بازداشت آزاد نموده و آن را به خریدار انتقال دهد، ضمن اینکه به هنگام تقدیم دادخواست ملک از رهن بانک آزاد شده و نسبت به آن فک رهن به عمل آمده، اساساً مسئله تنقیذ معامله از حقوق مرتهن بوده نه فروشنده که اقدام به انجام معامله با وجود در رهن بودن ملک نموده است مضافاً بناء متعاملین بر این امر استوار بوده که با دریافت قسمتی از بهای مورد معامله، فروشنده نسبت به فک رهن اقدام نماید. که نهایتاً بهمین صورت عمل شده است زیرا قبل از تقدیم دادخواست فک رهن گردیده بنابراین همانگونه که در اتفاق نظر ابرازی اعلام شده، دعوای خواهان (فروشنده) مبنی بر ابطال قرارداد باید محکوم به بی‌حقی شود.

(کمیسیون مدنی ۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷)

۴. در خصوص شخص ممنوع معامله در زمان تقدیم دادخواست الزام وی به تنظیم سند رسمی،

چه تصمیمی اتخاذ می‌شود؟

پرسش ۲۷۵/۸۹

چنانچه شخصی ممنوع معامله باشد به موجب تصمیم دادسرای انقلاب سپس یک قطعه زمین را به موجب عقد بیع به دیگری انتقال دهد و خریدار دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی انتقال تقدیم نماید آیا دعوی قابلیت رسیدگی دارد یا خیر؟ چه تصمیمی اتخاذ می‌گردد مستدل و مستند؟ نهی قانونگذار در صحت قراردادهای تخلف از اوامر و نواهی در درستی معامله تا چه اندازه اثر دارد؟^۱

نظریه کمیسیون:

نظر به اینکه موضوع سؤال ناظر به موردی است که خوانده پس از تصمیم مرجع

۱. نشست قضایی دادگستری نور، شهریور ماه ۱۳۸۹.

قضایی به ممنوعیت در انجام معامله یک قطعه زمین را به دیگری فروخته است اولاً به نوعی اهلیت نداشته و معامله مخدوش و فاسد است و به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی عقد فاسد اثر در تملک ندارد ثانیاً بر فرض ثبوت طبق بند ۷ ماده ۸۴ قانون آ. د. م اثر قانونی ندارد لذا استماع دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال در مانحن فیه فاقد وجاهت قانونی است نتیجتاً نظر اتفاقی مورد تأیید است.

(کمیسیون مدنی ۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲)

۵. در صورتی که خواندگان به دلیل اقامت در خارج کشور مجهول‌المکان باشند، نحوه ابلاغ

دادخواست و مواعد رسیدگی چگونه است؟

پرسش ۲۷۸/۸۹:

انتشار آگهی در خصوص خواندگانی که در خارج از کشور سکونت داشته و آدرس آنها مشخص نیست چگونه است مثلاً افرادی که در خارج مثل عراق و افغانستان سکونت داشته و خواهان به لحاظ عدم دسترسی به نشانی آنها را مجهول‌المکان اعلام کرده است چه توجیه قانونی دارد آیا بدون آگهی می‌توان رسیدگی کرد یا خیر؟^۱

نظریه کمیسیون:

نظریه اطلاق ماده ۷۳ قانون آ. د. م در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده یا خواندگانی را که در خارج از کشور سکونت دارند معین نماید بنابه درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست باید یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی شود لذا نظر اتفاقی تأیید می‌گردد.

(کمیسیون مدنی ۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲)

۱. نشست قضایی دادگستری نور، تیر ماه ۱۳۸۹.

بخش پنجم:

مصوبات هیأت وزیران

۱. تصویب‌نامه در خصوص تعیین میزان جرایم تخلفات مندرج در فصل هشتم قانون نظام صنفی -

مصوب ۱۳۸۲

وزیران عضو کارگروه کنترل بازار به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۵۱۲۶۳/ت/۴۳۵۰۵ هـ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹ تصویب نمودند:

میزان جرایم تخلفات مندرج در فصل هشتم قانون نظام صنفی - مصوب ۱۳۸۲ - به شرح جدول پیوست که به مهر « دفتر هیئت دولت » تأیید شده است، تعیین می‌شود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۷ به تأیید مقام محترم ریاست‌جمهوری رسیده است.

ارقام: ریال

نوع جریمه	مبلغ جریمه
حداقل میزان جریمه گرانفروشی	۱۰۰.۰۰۰
حداقل میزان جریمه کم‌فروشی	۲۰۰.۰۰۰
حداقل میزان جریمه تقلب (بار اول)	۲۰۰.۰۰۰
حداقل میزان جریمه تقلب (بار دوم)	۴۰۰.۰۰۰
حداقل میزان جریمه تقلب (بار سوم)	۲.۵۰۰.۰۰۰
جریمه عدم درج قیمت	۴۰۰.۰۰۰
جریمه عدم صدور صورتحساب هر مرتبه	۳۵.۰۰۰
میزان جریمه اشاره‌شده در ماده ۶۸	$۵۰۰.۰۰۰ \leq \text{جرایم} \leq ۱.۰۰۰.۰۰۰$
میزان جریمه اشاره‌شده در تبصره ۲ ماده ۷۱	۱.۵۰۰.۰۰۰

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲)

۲. دستورالعمل اجرایی ماده (۱۴) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان

وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۱ بنا به پیشنهاد شماره ۶۲/۹۵۰۷۸ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۱۴) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۸۷ - و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۴۵۲/ت/۲۴۶۹۹۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۸ دستورالعمل اجرایی ماده یاد شده را به شرح زیر تصویب نمودند:

فصل اول - تعاریف و کلیات

ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:
الف - قانون: قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۸۷ -

ب - بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران
پ - صندوق: صندوق تأمین خسارتهای بدنی، موضوع ماده (۱۰) قانون
ت - وسیله نقلیه: هر نوع وسیله نقلیه موتوری که بر روی زمین یا ریل حرکت می‌کند.

ث - شخص ثالث زیان‌دیده: هر شخصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شود، وکیل قانونی یا اولیای دم در صورت فوت وی به استثنای راننده مسبب حادثه.

ج - خسارتهای بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه، شکستگی، نقص عضو، ازکارافتادگی (جزیی یا کلی - موقت یا دائم) یا دیه فوت شخص ثالث به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع قانون و هزینه معالجه (چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد)، به استثنای موارد مندرج در ماده (۷) قانون.

چ - خسارتهای مالی: زیانهایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع قانون به اموال شخص ثالث وارد شود، به استثنای موارد مندرج در ماده (۷) قانون.

ح - فقدان بیمه‌نامه: وسیله نقلیه در زمان وقوع حادثه تحت پوشش بیمه موضوع قانون نباشد.

خ - بیمه‌گر: هر یک از شرکت‌های بیمه دولتی و غیردولتی که مجوز فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث از بیمه مرکزی را دارا می‌باشند.

د - خسارتهای بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه: هرگونه خسارت بدنی وارد شده به اشخاص ثالث که بر اساس قوانین و مقررات یا شرایط عمومی بیمه‌نامه پرداخت آن بر عهده بیمه‌گر مربوط نباشد. در هر صورت میزان تعهدات بیمه‌گر نمی‌تواند کمتر از حداقل الزامات مندرج در قانون باشد.

تبصره - شرایط عمومی بیمه‌نامه مطابق آیین‌نامه‌ای که توسط بیمه مرکزی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد تعیین خواهد شد.

فصل دوم - خسارتهای بدنی

ماده ۲- شخص ثالث زیان‌دیده یا ورثه قانونی وی حق دارد با ارایه مدارک موضوع ماده (۳) برای دریافت خسارت بدنی به طور مستقیم حسب مورد به بیمه‌گر مربوط یا صندوق مراجعه نماید.

ماده ۳- مدارک لازم برای بررسی و پرداخت خسارت بدنی متعلقه توسط بیمه‌گر و صندوق حسب مورد به شرح زیر می‌باشد:

۱- اصل یا تصویر مصدق گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی یا گزارش مقامات انتظامی یا نظریه کارشناس یا هیئت کارشناسی منتخب مراجع قضایی.

۲- بیمه‌نامه شخص ثالث یا هرگونه مدرک دیگری که حاکی از بیمه وسیله نقلیه مسبب حادثه در زمان وقوع حادثه باشد.

۳- تصویر گواهینامه رانندگی مسئول حادثه مگر اینکه مشخصات کامل گواهینامه رانندگی در گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه درج گردیده یا اینکه راننده مسئول حادثه فاقد گواهینامه رانندگی متناسب با نوع وسیله نقلیه مورد حادثه باشد.

۴- مدارک شناسایی مصدوم یا متوفی

- ۵ - تصویر خلاصه پرونده بالینی مصدوم یا متوفی در صورتی که در یکی از مراکز درمانی بستری شده باشد.
- ۶ - نظریه پزشکی قانونی
- ۷ - تصویر مدرک شناسایی وسیله نقلیه مسبب حادثه در صورت وجود
- ۸ - ارایه مدارک مثبت دایر بر احراز سمت قانونی متقاضی از قبیل قیمومت یا وکالت یا وصایت یا ولایت خاص حسب مورد.
- ۹ - جواز دفن یا گواهی فوت یا شناسنامه باطل شده متوفی.
- تبصره ۱- پرداخت خسارت در حوادث منجر به فوت منوط به ارایه گواهی انحصار وراثت خواهد بود.
- تبصره ۲- در صورت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، فرار یا عدم شناسایی مسئول حادثه حسب مورد ارائه بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه، مدارک شناسایی وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا گواهینامه رانندگی مسئول حادثه برای ارائه به شرکت یا صندوق الزامی نیست.
- ماده ۴- اشخاص ثالث زیان‌دیده در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی غیر از فوت می‌توانند برای دریافت پانجاه درصد خسارت بدنی تقریبی، موضوع ماده (۱۶) قانون با ارایه مدارک موضوع ماده (۳) مستقیماً به شرکت بیمه مربوط یا صندوق مراجعه و خسارت متعلقه را مطالبه و دریافت نمایند.
- تبصره ۱- در اجرای ماده (۱۵) قانون، بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد موظف است حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک لازم، خسارت متعلقه را پرداخت و در صورت وجود نقص در مدارک ارایه شده مراتب را ظرف یک هفته به صورت کتبی به متقاضی اعلام نمایند.
- تبصره ۲- بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد موظف است پس از صدور رأی قطعی مراجع قضایی و ارایه آن توسط اشخاص ثالث زیان‌دیده، باقیمانده خسارت متعلقه (موضوع قسمت اخیر ماده ۱۶ قانون) را به شخص ثالث زیان‌دیده پرداخت نماید.
- ماده ۵ - در حوادث رانندگی منجر به فوت، بیمه‌گر می‌تواند در صورت توافق با راننده مسبب حادثه یا بیمه‌گذار و ورثه شخص ثالث، بدون نیاز به رأی مراجع قضایی، دیه و دیگر خسارت‌های بدنی وارد شده را به وی پرداخت نماید.

فصل سوم - خسارتهای مالی

ماده ۶ - شخص ثالث زیان دیده حق دارد با ارایه مدارک موضوع ماده (۷) نسبت به دریافت خسارت مالی اقدام نماید.

ماده ۷ - مدارک لازم برای بررسی و پرداخت خسارت مالی توسط بیمه گر مربوط به شرح زیر می باشد:

۱ - بیمه نامه شخص ثالث یا هرگونه مدرک دیگری که حاکی از بیمه بودن وسیله نقلیه مسبب حادثه در زمان وقوع حادثه باشد.

۲ - اصل یا تصویر مصدق گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه یا نظریه کارشناس یا هیئت کارشناسی منتخب مراجع قضایی.

۳ - تصویر گواهی نامه رانندگی مسئول حادثه، مگر اینکه مشخصات کامل گواهی نامه رانندگی در گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه درج گردیده یا اینکه راننده مسئول حادثه فاقد گواهی نامه رانندگی متناسب با نوع وسیله نقلیه موجد حادثه باشد.

۴ - تصویر مدرک شناسایی وسیله نقلیه مسبب حادثه در صورت وجود.

۵ - ارایه مدارک مثبت دایر بر احراز سمت قانونی متقاضی از قبیل قیمومت یا وکالت یا وصایت یا ولایت خاص حسب مورد.

ماده ۸ - در اجرای ماده (۱۸) قانون، بیمه گر مکلف است در صورت وجود شرایط زیر با دریافت مدارک مذکور در ماده (۷) به استثنای بند (۲) آن، خسارت مالی زیان دیده را پرداخت نماید:

الف - وسایل نقلیه مسبب حادثه و زیان دیده در زمان وقوع حادثه، دارای بیمه نامه معتبر باشند.

ب - خسارت مالی وارد شده یا مورد مطالبه شخص ثالث زیان دیده حداکثر تا سقف تعهد مالی مندرج در ماده (۴) قانون باشد.

پ - بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد.

ت - حادثه رانندگی منجر به خسارت بدنی نشده باشد.

ث - وسایل نقلیه مسبب حادثه و زیان دیده همزمان مورد بازدید کارشناس منتخب بیمه گر مربوط قرار گیرند.

ماده ۹- میزان خسارت مالی واردشده به وسیله نقلیه شخص ثالث زیان‌دیده با توافق بیمه‌گر مربوط و شخص ثالث زیان‌دیده تعیین و به صورت نقدی پرداخت خواهد شد. در صورت عدم توافق شخص ثالث با مبلغ خسارت تعیین‌شده، بیمه‌گر مربوط موظف است وسیله نقلیه شخص ثالث زیان‌دیده را در تعمیرگاه مجاز یا تعمیرگاهی که مورد قبول وی باشد، تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه پرداخت نماید.

تبصره - در صورتی که اختلاف طرفین در خصوص میزان خسارت واردشده به وسیله نقلیه به روش مذکور در این ماده و همچنین میزان خسارت وارد شده به سایر اموال (غیر از وسیله نقلیه) حل و فصل نشود، موضوع در کمیسیون حل اختلاف تخصصی، موضوع تبصره ماده (۱۷) قانون مطرح و رسیدگی می‌شود.

فصل چهارم - سایر مقررات

ماده ۱۰- در صورتی که بیمه‌گر یا صندوق در مهلت مقرر در این آیین‌نامه نسبت به پرداخت خسارات متعلقه به شخص ثالث زیان‌دیده خودداری نمایند، شخص ثالث زیان‌دیده می‌تواند موضوع را به بیمه مرکزی منعکس و درخواست رسیدگی نماید.

تبصره ۱- بیمه مرکزی موظف است ظرف پانزده روز به درخواست متقاضی رسیدگی و در مورد آن اتخاذ تصمیم نماید. در صورت احرار تخلف توسط بیمه‌گر مربوط مطابق ماده (۲۸) قانون اقدام خواهد شد. تصمیم بیمه مرکزی برای بیمه‌گر لازم‌الاجرا است.

تبصره ۲- اجرای این ماده نافی حق مراجعه مستقیم شخص ثالث زیان‌دیده به مراجع قضایی یا سایر مراجع صلاحیتدار و طرح دعوی علیه بیمه‌گر یا صندوق نخواهد بود.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲)

۳. تصویبنامه در خصوص تعیین ساعات آغاز به کار ادارات و مشاغل مختلف در شهر تهران

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۷۵۱۶/۱/۳ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۳ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

۱- ساعات آغاز به کار ادارات و مشاغل مختلف در شهر تهران به شرح جدول زیر تعیین می‌شود:

ردیف	واحد	ساعت آغاز به کار (صبح)
۱	واحد‌های نظامی	۶/۳۰ - ۷
۲	واحد‌های صنفی	۷
۳	مدارس	۷/۱۵ - ۷/۴۵
۴	بانکها	۸
۵	مراکز آموزش عالی و پژوهشی و بخشهای آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (اعم از دانشگاهها و بیمارستانها)	۸
۶	سازمانهای دولتی و عمومی	۸/۳۰
۷	اصناف و بازاریان	۹/۳۰ - ۱۰

۲- پایان کار سازمانهای دولتی و عمومی به نحوی تنظیم شود که یک ساعت زودتر از زمان مقرر خاتمه یابد. کسری کار ناشی از این بند، از طریق دورکاری و کار در منزل جبران می‌شود.

۳- دستگاههای دولتی مجازند تا پایان سال ۱۳۸۹ حداقل بیست درصد از وظایف و خدمات خود را از طریق روشهای دورکاری و کار در منزل تعریف نمایند.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶)

۴. الحاق بندهای (۷)، (۸) و (۹) به آیین‌نامه نحوه پرداخت به اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی

یا خارجی^۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۵ بنا به پیشنهاد نهاد ریاست جمهوری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: متون زیر به عنوان بندهای (۷)، (۸) و (۹) به آیین‌نامه نحوه پرداخت به اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی یا خارجی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۵۱۲/ت/۲۱۲۰۹۵ هـ.م.م.خ ۱۳۸۹/۹/۲۲ الحاق می‌شوند:

ماده ۷- علاوه بر مبالغ مذکور در این دستورالعمل، پرداخت مبالغی تحت عناوین اضافه‌کار، حسن انجام کار، پاداش پایان سال، پاداشهای موردی، حق بیمه و غیره با تشخیص رئیس مرکز بلامانع می‌باشد.

ماده ۸- هر نوع حق‌الوکاله، حق‌المشاوره و عناوین مشابه به صورت موردی یا در پرونده‌ها و دعاوی خاص یا خدمات معین فقط براساس تشخیص و تأیید رئیس مرکز به اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی قابل پرداخت می‌باشد.

ماده ۹- مرکز مکلف است ظرف سه ماه کلیه پرداختها را با مبانی موضوع این آیین‌نامه تطبیق دهد. در صورت کاهش مبالغ قراردادها و موافقتنامه‌های منعقدشده قبل از ابلاغ این آیین‌نامه با کارکنان و مشاورین، پرداخت مابه‌التفاوت مجاز است.

تبصره - مبالغ مرقوم در جداول مندرج در این آیین‌نامه تا میزان پنجاه درصد در هر مورد به تشخیص رئیس مرکز قابل افزایش می‌باشد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳)

۱. متن آیین‌نامه در صفحه ۷۲ شماره هجدهم این ویژه‌نامه (آذر ۱۳۸۹) درج شده است.

۵. اصلاح آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی

وزارت دادگستری

تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در کارگروه کنترل بازار که در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب نامه شماره ۱۵۱۲۶۳/ت/۴۳۵۰۵ هـ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹ اتخاذ شده است، به شرح زیر برای اجرا ابلاغ می شود:

آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی موضوع تصمیم نامه شماره ۴۰۷۳۰ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲ به شرح زیر اصلاح می شود:

۱- متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۶) اضافه می شود:

تبصره - سازمان می تواند در راستای تمرکززدایی، امور اداری و مالی خود را به ادارات کل تعزیرات حکومتی استانها واگذار نماید.

۲- متن زیر جایگزین ماده (۱۰) می شود.

ماده ۱۰- رؤسا و اعضای شعب بدوی و تجدیدنظر از بین قضات بازنشسته، فارغ التحصیلان رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق و یا از روحانیونی که مدرک تحصیلی معادل لیسانس ارایه نمایند و دارای حُسن شهرت و عامل به احکام اسلام باشند، منصوب می شوند.

۳- متن زیر جایگزین ماده (۱۳) می شود:

ماده ۱۳- به منظور رسیدگی به تخلفات انتظامی رؤسا و اعضای شعب و مأمورین سازمان تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، شعبه ای با عنوان «شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات انتظامی» در تهران تشکیل می شود. شعبه مذکور دارای یک نفر رئیس، دو مستشار و یک عضو علی البدل خواهد بود. اعضای شعبه از قضات بازنشسته و رؤسای شعب (حداقل با ده سال سابقه تصدی شعبه) خواهند بود که با پیشنهاد وزارت دادگستری و تأیید رئیس جمهور توسط وزیر دادگستری به مدت پنج سال منصوب می شوند.

تبصره ۱- تشکیل جلسه شعبه با حضور سه عضو و صدور رأی با اکثریت آراء خواهد بود.

تبصره ۲- مجازات متخلفین موضوع این ماده طبق قوانین موضوعه خواهد بود.

تبصره ۳- آرای صادره قطعی است مگر در مواردی که به تشخیص وزیر دادگستری مغایر قانون باشد.

۴- متن زیر جایگزین ماده (۱۵) می‌شود:

ماده ۱۵- امور مالی، معاملاتی، استخدامی و نظام پرداخت و تشکیلات سازمان منحصراً تابع این آیین‌نامه و مقرراتی است که به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد و از شمول قوانین محاسبات عمومی، استخدام کشوری، مدیریت خدمات کشوری و سایر مقررات عمومی مستثنی است و تابع قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند، می‌باشد.

تبصره - سازمان می‌تواند به کارکنان و رؤسای شعب خود با در نظر گرفتن اهمیت شغل و شاغل، تحصیلات و توانایی در انجام امور محوله به ترتیب تا سقف شصت درصد و صد درصد حقوق به عنوان فوق‌العاده ویژه از محل اعتبارات سازمان پرداخت نماید.
معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا رحیمی

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

بخش هشتم:



مصوبه «اصلاح آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده»

مصوبه «اصلاح آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده» که در جلسه ۶۷۷ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۹/۵/۱۳ رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده به تصویب رسیده است، به شرح ذیل برای اجراء ابلاغ می‌شود:

مقدمه

به منظور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در امور فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده و ایجاد هماهنگی‌های لازم در این زمینه شورایی به نام «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده» که از این پس در این آیین‌نامه به اختصار «شورا» نامیده می‌شود زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.

ماده ۱- وظایف:

۱- تدوین و پیشنهاد سیاست‌های لازم به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و تسریع در بازیابی ارزش و کرامت انسانی و تأمین حقوق همه‌جانبه زنان بر پایه موازین اصیل اسلام و تدوین الگوهای مناسب.

۲- تدوین و پیشنهاد سیاست‌های لازم به منظور شناخت ویژگی‌های مثبت فرهنگ اقوام و مقابله با تضعیف آن، همچنین ریشه‌یابی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگ‌های بیگانه و انحرافات اخلاقی و نیز زدودن بقایای بینش‌های متحجر که به نام مذهب در جامعه وجود دارد و آثار ستم و تبعیضی که از دوران نظام طاغوتی بر جامعه بانوان تحمیل شده است.

۳- تدوین سیاست‌های لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی برای تقویت هر چه بیشتر نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی در زمینه‌های مزبور.

- ۴- تدوین سیاست‌های لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی برای استفاده بهتر دختران و بانوان از اوقات فراغت خود (از طریق استفاده مناسب از وسایل و امکانات ورزشی، آموزشی، هنری، رسانه‌های همگانی و غیره) و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی برای برنامه‌ریزی.
- ۵ - تهیه طرح‌هایی جهت ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی و سوادآموزی و بررسی سیاست‌ها و شیوه‌های مناسب در زمینه‌های آموزش و پرورش و تحصیلات عالی زنان.
- ۶ - بررسی زمینه مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و بررسی نحوه رفع مشکلات و موانع موجود در راه گسترش اینگونه فعالیت‌ها.
- ۷- بررسی و تدوین طرح‌های مناسب برای حل مشکلات زنان بی‌سرپرست و حمایت از آنها و همچنین بررسی وضع و شرایط شغلی بانوان.
- ۸ - اتخاذ تدابیر برای هماهنگ کردن فعالیتهای مراکز و سازمان‌های فعال در امور فرهنگی و اجتماعی زنان و عنداللزوم ارائه طرح و پیشنهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۹- پیشنهاد تحقیق در مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی زنان به اشخاص و مراکز صلاحیت‌دار و حمایت از نظریه‌پردازان، متفکران و دانشمندان مسلمان که به تبیین دیدگاه‌های اسلامی در زمینه خانواده و اجتماع می‌پردازند و کمک به ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تحقیقاتی.
- ۱۰- مطالعه و ارزیابی مستمر وضع فرهنگی و اجتماعی بانوان و تهیه گزارش سالانه.
- ۱۱- برنامه‌ریزی برای توسعه مناسبات فرهنگی با جوامع و نهضت‌های انقلابی زنان در کشورهای دیگر به خصوص در کشورهای اسلامی.
- ۱۲- اظهارنظر و یا تصمیم‌گیری در مواردی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار می‌شود.
- ۱۳- پیشنهاد ضوابط و معیارهای فعالیتهای مراکز فرهنگی - تبلیغی زنان و نحوه نظارت بر آن فعالیت‌ها.
- تبصره ۱- نماینده شورا در هیأت نظارت و بازرسی عضویت خواهدداشت.

تبصره ۲- موارد موضوع بندهای ۱ تا ۷ و ۱۰ تا ۱۲ از وظایف شورا برای بررسی و تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم خواهد شد.

ماده ۲- ترکیب اعضا:

۱- دو نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا نمایندگان شورای عالی.

۲- دو نفر صاحب نظر به انتخاب و معرفی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳- دو نفر نماینده رئیس جمهور.

۴- دو نفر از بانوان نماینده مجلس با معرفی رئیس مجلس شورای اسلامی.

۵- دو نفر نماینده صاحب نظر با معرفی رئیس قوه قضائیه.

۶- دو نفر از بانوان از حوزه علمیه قم به پیشنهاد مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۷- یک نفر صاحب نظر در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان با معرفی وزیر یا رئیس هر یک از دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، امور خارجه، کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اطلاعات، صدا و سیما، تربیت بدنی، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، تبلیغات اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

تبصره - در صورتی که موضوع دستور شورا راجع به یکی از وزارتخانه‌ها یا دستگاه‌های دیگر اجرایی باشد نماینده آن دستگاه می‌تواند با حق رأی در جلسه شرکت کند.

ماده ۳- رئیس شورا از میان دو نفر از اعضای شورا و با کسب رأی اکثریت اعضا، انتخاب و پس از تأیید دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تصویب نهایی به شورای عالی معرفی و برای مدت ۳ سال منصوب و حکم وی از طرف رئیس شورای عالی صادر می‌شود.

تبصره ۱- انتخاب مجدد وی برای یک دوره متوالی مجاز است.

تبصره ۲- دبیر شورا از میان دو نفر از بانوان عضو شورا یا خارج از آن، با پیشنهاد رئیس شورا به دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی و با حکم دبیر شورای عالی برای مدت ۳ سال منصوب می‌شود. انتخاب مجدد وی برای یک دوره متوالی مجاز است.

ماده ۴- کلیه امور تشکیلاتی، اداری، مالی و استخدامی شورا تابع تصمیمات هیئت امنای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

ماده ۵- شورا می‌تواند برای اجرای وظایف خود گروه‌های کار تشکیل دهد.
تبصره - آیین‌نامه اجرایی شورا و کارگروه‌های تخصصی آن، هماهنگ با آیین‌نامه‌های شوراهای اقماری و کمیسیون‌های تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی تنظیم خواهد شد.

ماده ۶- این آیین‌نامه مشتمل بر ۶ ماده و ۶ تبصره در جلسه ۶۷۷ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲)

بخش، مضامین:



۱. دستورالعمل آئین‌نامه اجرایی بند ۱۴ قانون بودجه ۱۳۸۹ کل کشور

ماده ۱- علاوه بر معانی اصطلاحات ماده یک آیین‌نامه اجرایی بند ۱۴ قانون بودجه ۱۳۸۹ کل کشور که مستند این دستورالعمل است سایر معانی بشرح زیر می‌باشد:

الف) قیمت کارشناسی در محل: قیمتی است که توسط کارشناس رسمی دادگستری مقرر در ماده ۴ این دستورالعمل براساس ارزیابی روز اراضی ملی و موات در محل تعیین و اعلام می‌گردد.

ب) فروش اقساطی: فروش اراضی موضوع این دستورالعمل به صورت اقساط حداکثر ۲۰ ساله می‌باشد.

ج) وضعیت اجرای طرح: گزارشی است که پس از درخواست مستأجرین مشمول توسط عوامل نظارتی موضوع ماده ۳۳ قانون اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور پس از صدور پروانه بهره‌برداری توسط مرجع صادرکننده جواز تأسیس یا موافقت اصولی تهیه و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

د) دستورالعمل اصلاحی: منظور دستورالعمل اصلاحی ضوابط واگذاری اراضی منابع ملی و دولتی برای طرحهای کشاورزی و غیرکشاورزی موضوع ابلاغیه شماره ۰۲۰/۲۶۲۶ مورخ ۱۳۸۷/۲/۳ وزارت است که پس از این اختصاراً دستورالعمل اصلاحی نامیده می‌شود.

هـ) مرجع واگذاری اراضی: وزارت جهاد کشاورزی است که براساس اختیارات قانونی ضمن تفویض اختیار به کمیسیونهای مواد ۲ و ۲۱ دستورالعمل اصلاحی اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۲- سازمان جهاد کشاورزی مکلف است در صورت درخواست خرید و انتقال قطعی اراضی مستأجرین مشمول پس از اخذ گزارش موضوع بند «ج» ماده یک این دستورالعمل و تأیید کمیسیونهای واگذاری ذیربط درخصوص قیمت‌گذاری و تعداد اقساط حداکثر تا (۲۰) بیست سال، در مورد اراضی زیر حدنصاب راساً و در خصوص اراضی بالای حدنصاب با رعایت مواد ۱۹ و ۲۶ دستورالعمل اصلاحی با ارسال اصل پرونده برگ شمارشده به انضمام نقشه عرصه به سازمان امور اراضی و اخذ تأییدیه آن اقدام نماید.

ماده ۳- سازمان جهاد کشاورزی موظف است با رعایت ماده ۲ این دستورالعمل و دریافت قسط اول نسبت به معرفی متقاضی به دفترخانه عامل برای تنظیم قرارداد فروش اقساطی ثبتی طبق نمونه فرم پیوست و با رعایت موارد زیر اقدام نماید:

الف - بیمه نمودن اقساط فروش توسط متقاضیان نزد شرکت‌های بیمه‌گذار به نحوی که در صورت فوت خریدار، اقساط باقی‌مانده از سوی شرکت بیمه بصورت کامل و در یک مرحله پرداخت شود.

تبصره - در صورت عدم بیمه نمودن پرداخت اقساط توسط مستأجر تقسیط قیمت باید با رعایت سقف حداکثر ۲۰ سال بنحوی صورت پذیرد که کلیه اقساط قبل از پایان ۶۰ سالگی متقاضی پرداخت گردد.

ب - مدت قرارداد فروش اقساطی با توجه به قیمت تعیین‌شده، تا مبلغ ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال حداکثر تا ۵ سال و تا ۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال حداکثر تا ده سال و در خصوص مبالغ بیش از این، مدت بنا به تشخیص رئیس سازمان جهاد کشاورزی تعیین می‌گردد.

ج - در صورت درخواست خریدار و یا بنا به تشخیص کمیسیون ذیربط و با در نظر گرفتن نوع و زمان، بهره‌برداری امکان تعیین بیش از یک قسط در سال میسر می‌باشد.

ماده ۴- نحوه تقویم و ارزیابی اراضی مشمول این دستورالعمل توسط کارشناس رسمی ذیربط دادگستری خواهد بود. در صورت اعتراض در مدت یک هفته از زمان ابلاغ طرفین طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به هیات‌های کارشناسی ارجاع می‌گردد. پرداخت هزینه کارشناسی در مرحله اول به عهده خریدار و در مراحل بعدی به عهده معترض می‌باشد.

تبصره ۱- متقاضی پس از ابلاغ قیمت کارشناسی ظرف مدت یک ماه نسبت به پرداخت قسط اول و پیگیری عقد قرارداد اقدام می‌نماید. مدت اعتبار تقویم اراضی شش ماه از تاریخ ابلاغ می‌باشد و ارزیابی مجدد می‌بایست با هزینه متقاضی صورت پذیرد.

تبصره ۲- قیمت‌گذاری صورت گرفته مقطوع بوده و تحت هیچ شرایطی مشمول تخفیف نمی‌شود.

ماده ۵ - رعایت قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲ در زمان فروش اراضی به مشمولین این دستورالعمل الزامی است.

ماده ۶ - انتقال قطعی اسناد مالکیت اراضی مشمول این دستورالعمل پس از پرداخت آخرین قسط قبوض اقساطی با رعایت طرح مصوب و سایر شرایط و ضوابط آئین‌نامه اجرائی بند ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۹ خواهد بود.

ماده ۷- در صورت عدم پرداخت اقساط قرارداد فروش طبق نمونه فرم قرارداد پیوست، قرارداد منفسخ و اراضی خلع‌ید می‌گردد. بدیهی است هزینه احداث اعیانی براساس طرح مصوب از سوی فروشنده ارزیابی و پس از تأمین اعتبار قابل پرداخت می‌باشد.

ماده ۸ - این دستورالعمل مشمول واگذاریهای مربوط به تاریخ قبل از ابلاغ تبصره ۲ ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ مجلس شورای اسلامی بوده و واگذاری‌های بعد از ابلاغ (۱۳۸۹/۵/۲۶) قانون مذکور را شامل نمی‌گردد.

ماده ۹- این دستورالعمل در ۹ ماده و ۳ تبصره تهیه و از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجراء می‌باشد.^۱

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹)

۲. اصلاحیه نظام نامه انتخاب سران دفاتر ازدواج

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
تصویر یک نسخه از اصلاحیه نظام‌نامه انتخاب سران دفاتر ازدواج به شماره ۱۳۸۰/۴/۱۰-۱/۱۲۵۰۱ که مورد موافقت ریاست محترم وقت قوه قضائیه رسیده است جهت چاپ و انتشار در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد.

مدیرکل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت - سیدمحمد هاشمی‌مقدم

۱ . در ادامه این دستورالعمل فرم « تقاضانامه خرید اراضی » و فرم « قرارداد فروش اقساطی اراضی ملی و موات » و « جدول اقساط و ارزیابی موضوع قرارداد شماره » وجود دارد که از چاپ آن خودداری شد.

حضرت آیت‌اله هاشمی شاهرودی دامت‌برکاته

ریاست معظم قوه قضائیه

احتراماً، همانطور که خاطر عالی مستحضر است انتخاب سردفتران ازدواج و طلاق براساس نظامنامه مربوط به انتخاب سران دفاتر ازدواج و طلاق که در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۰ مورد تأیید و تصویب حضرت مستطابعالی قرار گرفته است صورت می‌گیرد. اگرچه تصویب نظامنامه مذکور و قانونمند نمودن انتخاب سران دفاتر و شرایط و ضوابط مقرر اثرات بسیار مطلوبی را دربر داشته ولیکن تجربه برگزاری آزمون در سال گذشته و بعضی مشکلات اجرائی نظامنامه مزبور ضرورت اصلاح آن را در موارد ذیل توجیه می‌نماید:

۱- به استناد بند ۲ ماده اول نظامنامه دارندگان گواهی پایان سطح عالی با تأیید شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌توانند در آزمون مربوطه شرکت نمایند که با توجه به تعیین ارزش استخدامی تحصیلات حوزوی که در حد فوق‌لیسانس است و با عنایت به اینکه برای تحصیلکرده‌های دانشگاه مدرک کارشناسی (لیسانس) شرط شده به نظر می‌رسد گواهی سطح ۲ (اتمام رسائل و مکاسب) که معادل دوره کارشناسی دانشگاهها شناخته شده است برای این امر کافی باشد.

۲- براساس بند ۳ ماده دوم نظامنامه گواهی افتاء صادره از مراجع مسلم اهل سنت باید به تأیید رئیس قوه قضائیه برسد. مشخص نبودن نحوه عمل و فقدان رویه واحد در این زمینه، بعضاً مشکلاتی را برای متقاضیان مذکور فراهم نموده است.

۳- روحانیون شیعه نیز در رابطه با چگونگی تأیید گواهی اجتهاد و نبودن رویه واحد در این خصوص دارای مشکل هستند.

۴- باستناد تبصره ۳ ماده سوم نظامنامه آن دسته از متقاضیانی را که دارای درجه اجتهاد هستند صرفاً در امتحان کتبی مربوط به مقررات ازدواج و طلاق و حقوق مدنی شرکت خواهند کرد که شرکت در آزمون کتبی همراه با سایر داوطلبین برای متقاضیانی که دارای مدرک اجتهاد هستند سخت بوده و موجب اظهار نارضایتی و گلایه شده است و نتیجتاً افرادی دارای درجه اجتهاد کمتر متقاضی شغل سردفتری ازدواج و طلاق خواهند بود.

۵ - بعضی از روحانیون، دارای مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی (لیسانس) در رشته‌هایی از قبیل ادبیات عرب و فقه و اصول، تفسیر و علوم قرآن و الهیات و معارف اسلامی بوده و به لحاظ دارا نبودن مدارک تحصیلی مذکور در نظامنامه و علیرغم توان علمی و فقهی از شرکت در امتحان و احراز سردفتری ازدواج و طلاق محروم هستند.

۶ - نظر به اینکه بعضی از سران دفاتر اسناد رسمی و دفتریاران اول متقاضی سردفتری ازدواج و طلاق هستند و اعطای سردفتری ازدواج و طلاق به این قبیل افراد با توجه به ضرورت حضور آنها در دفاتر اسناد رسمی و حساسیت موضوع و نتیجتاً غیرقابل جمع بودن این دو سمت، به مصلحت تشخیص داده نمی‌شود لذا اتخاذ تصمیم در این خصوص لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به مجموع مراتب فوق‌الاشعار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور پس از مشورت با کارشناسان مربوطه، اصلاح نظامنامه را به شرح زیر پیشنهاد می‌نماید تا در صورت صلاحدید و تصویب حضرت مستطاب‌عالی از تاریخ تصویب مبنای عمل قرار گیرد بنابراین استدعا می‌شود موارد زیر را مورد تصویب قرار دهید:

الف: بند ۲ ماده دوم نظامنامه به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

بند ۲ ماده ۲:

« دارندگان گواهی سطح دو (اتمام رسائل و مکاسب) با تأیید شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم یا دانشکده الهیات دانشگاه تهران»

ب - به ماده دوم نظامنامه دو تبصره به شرح زیر اضافه می‌شود:

« تبصره ۱- رئیس قوه قضائیه هیأتی را جهت بررسی و ارزشیابی مدارک افتاء و اجتهاد متقاضیان سردفتری تعیین خواهد کرد.»

تبصره ۲- سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران اول را مادام که در این سمت اشتغال دارند نمی‌توان به عنوان سردفتر ازدواج یا طلاق انتخاب نمود.

شماره تبصره‌های ۱ و ۲ سابق ماده دوم به تبصره‌های ۳ و ۴ تغییر می‌یابد.

ج - تبصره ۳ ماده سوم نظامنامه به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

«تبصره ۳- روحانیونی که دارای مدرک اجتهاد هستند در صورت ثبت نام در موعد مقرر و تأیید مدرک آنان توسط هیأت از شرکت در امتحان کتبی معاف و صرفاً توسط هیأت اختبار مذکور در ماده سوم نظامنامه از آنان اختبار به عمل می‌آید.»

د - یک بند به بندهای ماده دوم به عنوان بند ۴ اضافه می‌گردد:

«بند ۴- روحانیونی که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (لیسانس) در رشته‌های ادبیات (زبان فارسی و عرب) فقه و اصول، تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، الهیات و معارف اسلامی هستند.»

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

بخش هشتم:

موارد حذف شده از شماره های روزنامه رسمی دی ماه ۱۳۸۹

توضیح:

به منظور حجم شدن این ویژه نامه، متن آنچه با وظایف شغلی مخاطبین محترم ارتباط بیشتری دارد، درج و آنچه بی ارتباط یا کم ارتباط است را در این بخش فهرست وار ذکر کردیم. در صورت درخواست متن کامل حریرک از موارد حذف شده، نسبت به ارسال آن برای متقاضی اقدام خواهد شد.

ردیف	آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری	روزنامه رسمی
۱	رای شماره ۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع الزام به پرداخت فوق العاده کارانه ناشی از ماده ۵ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰	شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸

ردیف	مصوبات هیأت وزیران	روزنامه رسمی
۱	آیین نامه تأیید صلاحیت شرکتهای بازرسی کننده و ضوابط بازرسی کالاها	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۲	آیین نامه تأیید صلاحیت علمی و فنی مدیران کنترل کیفیت	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۳	آیین نامه ثبت ارقام گیاهی	شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸
۴	اصلاح آیین نامه اجرایی نحوه طبقه بندی بنگاهها، تأیید صورتهای مالی و بازاریابی بنگاههای مشمول واگذاری	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲
۵	اصلاح بند (۱) تصویب نامه شماره ۱۷۰۴۰۲/ت/۳۹۳۳۸ هـ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۳	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲
۶	اصلاح بند ۲ اصلاح آیین نامه معاملات شرکت مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته ای	شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸
۷	اصلاح تبصره ماده (۳) آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۸	اصلاح تصمیم نامه شماره ۴۴۵۲۰/۲۸۶۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۱	شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸
۹	اصلاح تصویب نامه در خصوص اعطای تسهیلات بانکی در قالب طرح مسکن مهر	شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸
۱۰	اصلاح تصویب نامه در خصوص اعمال معافیت های مالیاتی به مدت ده سال برای واحدهای تازه تأسیس تولید داخل شهرک های صنعتی	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲
۱۱	اصلاح تصویب نامه در خصوص افزایش سرمایه ملی نفت ایران از محل اندوخته سرمایه ای	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲
۱۲	اصلاح تصویب نامه در خصوص تعیین تعرفه ثبت نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمون های سازمان سنجش کشور در سال ۱۳۸۹	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲
۱۳	اصلاح تصویب نامه در خصوص معافیت مالیاتی طرح های گردشگری در مناطق محروم و توسعه نیافته استان هرمزگان	شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲

شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	اصلاح تصویب‌نامه در خصوص واحدهای تولیدی جدید/لااحداث در داخل شهرکها و نواحی صنعتی خارج از شعاع سی کیلومتری مرکز استان کرمانشاه مشمول معافیت مالیاتی به مدت ده سال	۱۴
شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	اصلاح تصویب‌نامه شماره ۱۸۷۴۴۷/ت/۴۵۳۹۸ هـ مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۹	۱۵
شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸	الحاق تبصره به ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی تبصره (۳) ماده (۲۱) و ماده (۱۲۱) قانون مدیریت خدمات کشوری	۱۶
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تسری آیین‌نامه آمادگی و مقابله با آثار زیان‌بار پدیده گرد و غبار (ریزگرد) در کشور به استان مرکزی	۱۷
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در خصوص تعیین سهمیه حمایتی نفت گاز خودروهای نفت گازسوز و سهمیه حمایتی بنزین دی ماه	۱۸
شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در خصوص تعیین نرخ (۲) سهمیه حمایتی نفت گاز خودروهای نفت گازسوز	۱۹
شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در خصوص تعیین نرخ فروش برخی از فرآورده‌های نفتی از تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۸	۲۰
شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در خصوص تکمیل سامانه اطلاعات املاک و مستغلات	۲۱
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص احداث مجتمع خدماتی رفاهی بین‌راهی در پنج هکتار از اراضی منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه	۲۲
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص انجام مصالحه برای پرداخت حقوق سهام ملی‌شده شرکتهای مشمول بند (الف) ماده (۱) قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران	۲۳
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص ایجاد بخش بلورد به مرکزیت روستای بلورد از ترکیب دهستانهای بلورد و چهارگنبد در تابعیت شهرستان سیرجان در استان کرمان	۲۴
شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳	تصویب‌نامه در خصوص برقراری مقررات لغو روادید سی روزه برای دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مالاوی	۲۵
شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳	تصویب‌نامه در خصوص برقراری مقررات لغو روادید(با اقامت حداکثر یک ماهه) برای دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی کامبوج	۲۶
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تبدیل روستای پول مرکز بخش کجور شهرستان نوشهر در استان مازندران به شهر	۲۷

شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تبدیل روستای مرادلو در شهرستان مشکین‌شهر استان اردبیل به شهر	۲۸
شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸	تصویب‌نامه در خصوص تبدیل روستای خلیفان مرکز بخش خلیفان از توابع شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی به شهر	۲۹
شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸	تصویب‌نامه در خصوص تبصره (۲) قانون اصلاح ماده (۶۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۸	۳۰
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تعیین سود بازرگانی پرتقال ردیف (۰۸۰۵۱۰۰۰) تعرفه، نارنگی ردیف (۰۸۰۵۲۰۰۰) تعرفه و سیب ردیف (۰۸۰۸۱۰۰۰) تعرفه	۳۱
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تعیین سود بازرگانی (فصلی) ذرت وارداتی تا پایان سال ۱۳۸۹	۳۲
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تعیین فرودگاه بجنورد در استان خراسان شمالی به عنوان مرز مجاز هوایی	۳۳
شماره ۱۹۱۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲	تصویب‌نامه در خصوص تعیین فرودگاه زنجان به عنوان مرز مجاز هوایی	۳۴
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص تعیین عوارض صادرات آهن قراضه و ضایعات فلزی	۳۵
شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳	تصویب‌نامه درخصوص تغییر نام شهر سیف‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ در استان البرز به شهر گلسار	۳۶
شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	تصویب‌نامه در خصوص تغییر عبارتهای « واحدهای تولیدی»، « واحدهای تولیدی جدیدالاحداث»، «واحدهای جدیدالاحداث» و «واحدهای صنعتی» به عبارت «فعالیت‌های تولیدی و معدنی واحدهای تولیدی یا معدنی بخشهای تعاونی و خصوصی»	۳۷
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص تقسیمات کشوری در استان مازندران	۳۸
شماره ۱۹۱۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸	تصویب‌نامه در خصوص عوارض صادراتی شمش چدن	۳۹
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص طبقه‌بندی مناطق گرم و مرطوب به دلیل افزایش دما و استمرار در مناطق شمالی کشور	۴۰
شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹	تصویب‌نامه در خصوص لغو ماده (۴) و تبصره الحاقی آن و تبصره ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی نحوه انجام معاینه و صدور برگ معاینه فنی خودرو	۴۱

ردیف	شورای عالی انقلاب فرهنگی	روزنامه رسمی
۱	مصوبه «سند نهضت مطالعه مفید»	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹

ردیف	شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	روزنامه رسمی
۱	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر میرجاوه	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر ورزنه	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۳	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر کاشان	شماره ۱۹۱۷۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹
۴	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر پیشین	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۵	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر دوست‌محمد	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۶	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر بنجار	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۷	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر سوران	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۸	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر کنارک	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۹	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر گلمورتی	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۱۰	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح کالبدی منطقه‌ای خوزستان	شماره ۱۹۱۷۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳
۱۱	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر پاکدشت	شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶
۱۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر دولت‌آباد	شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶

شماره ۱۹۱۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر تایباد	۱۳
شماره ۱۹۱۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص الحاق اراضی به محدوده شهر کهنوج	۱۴
شماره ۱۹۱۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۳	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر برزول	۱۵
شماره ۱۹۱۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۳	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر گل تپه	۱۶
شماره ۱۹۱۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۳	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر لالچین	۱۷

نظرخواهی (مربوط به شماره دی ماه ۱۳۸۹)

به استحضار قضات محترم می‌رساند معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه در راستای ارتقای سطح آگاهی مخاطبین از قوانین و مقررات و ایجاد سرعت و سهولت در این امر، هر ماه قوانین و مقرراتی را که به نحوی در امر قضاوت مورد نیاز است، به صورت ویژه نامه منتشر می‌کند. برای استفاده از نظرات شما عزیزان انتظار دارد پاسخ پرسش‌های زیر را به یکی از سه طریق زیر منعکس فرمایید:

الف: تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان سمیه، ساختمان شماره سه قوه قضائیه، معاونت آموزش و تحقیقات، اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون آموزشی

ب: پست الکترونیکی Tadvin_Motoon@Yahoo.Com

ج: شماره ۸۸۸۰۹۰۵۶ - ۰۲۱

۱- این ماهنامه تا چه میزان نیاز شما را در خصوص اطلاع یابی از قوانین و مقررات جدید تأمین می‌کند؟

خیلی کم ☐ کم ☐ متوسط ☐ زیاد ☐ خیلی زیاد ☐

۲- در این شماره به نظر شما کدامیک از مطالب زائد است و باید جزء موارد حذف شده قید شود؟

.....
.....

۳- نظر شما راجع به تعداد استفتائات قضائی و نظریات مشورتی چیست؟

.....
.....

۴- لطفاً نظراتان را نسبت به دسته بندی و تبویب (چیدمان) مطالب مشروحاً اعلام داشته و مشخص فرمایید چه تغییری را لازم می دانید.

.....
.....

۵- کدامیک از روش های ذیل را جهت دریافت ویژه نامه ترجیح می دهید؟

دریافت نسخه چاپی ☐ دریافت نسخه الکترونیکی از طریق ایمیل ☐

دریافت نسخه الکترونیکی از طریق پایگاه اطلاع رسانی معاونت آموزش و تحقیقات ☐

۶- تاکنون چند شماره این ویژه نامه را دریافت کرده اید؟

همه شمارهها ☐ هیچ کدام از شمارهها ☐

برخی شمارهها ☐ با ذکر تعداد و شماره.....

۷- چنانچه انتقاد یا پیشنهادی در خصوص بهبود این ویژه نامه دارید، مرقوم فرمایید.

.....
.....

۸- در صورت تمایل نام و شماره تلفن خود را مرقوم دارید.

.....

فرم درخواست اشتراک ویژه نامه قوانین و مقررات

نام: نام خانوادگی: شماره پرسنلی:

سمت قضایی مطابق ابلاغ:

تلفن ثابت: تلفن همراه:

نشانی محلی که تایل دارید ویژه نامه ارسال شود:

کد پستی: محل خدمت:

نشانی پست الکترونیکی (در صورت داشتن):

امضاء

آدرس: تهران - تقاطع خیابان حافظ و سمیه، روبروی دانشگاه امیرکبیر، ساختمان معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، طبقه ششم.